
کتابخانهٔ مجلس شورای ملی
کتاب
مؤلف
موضوع
شمارهٔ دفتر
خطی «فهرست شده»
۱۰۰۲۱
بازدید شد
۱۳۸۴
رسی شد
۶۰ - ۲۷




کتابخانه مجلس شورای ملی

رسالهٔ شجرهٔ الهیه میرزا [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] رفیعا امیر [illegible]

حمد بیحد و ثنای بیعد معبودی را سزد که با فاضهٔ انوار وجود مکنونات ظلمات عدم را بوجه ظهور در آورد

[illegible] ساخت و مجمع کمالات [illegible] خلافت [illegible]

[illegible] و نزدیکان بارگاه [illegible]

[illegible] رسالت ممتاز گردانید و خلعت نبوت پوشانید و نفوس [illegible]

[illegible] ضلالت [illegible] هدایت اوج کمال رسانید و خاتم انبیا را [illegible] ختم رسالت

[illegible] لولاک لما خلقت الافلاک ممتاز گردانید [illegible] اصطفا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان [illegible] شاه صفی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] فصل اول [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

٣

[illegible] وجود [illegible] تحقق نشود زیرا که [illegible]

[illegible] وجود [illegible] واجب [illegible] وجود [illegible] وجود [illegible]

[illegible] وجود [illegible]

[illegible] الوجود والوجوب [illegible] وجود و وجوب [illegible]

[illegible] وجود [illegible] لازم آید [illegible]

[illegible]

[illegible] وجود [illegible]

[illegible] مطلب اول در اثبات واجب الوجود [illegible]

[illegible]

[illegible] مطلب دوم در صفات [illegible]

فصل اول [illegible]

[illegible]

٣

باید که مانع این افعال خالق است حکم می‌کنند که صدور این افعال از روی قصد و شعور است [illegible]
مادام که واجب تعالی در تحقق نشود و موجب قصد این افعال اگر ذات و صفات این خالق است پس آنچه در خلق
او [illegible] از اتساق و انتظام و اشتمال و حضور علیه [illegible] کافیست که حکم به علم و حکمت او [illegible] به واجب الوجود
و اگر فاعل این خالق است ما را [illegible] از انتهای آن به واجب پس شک نیست که موجب قصد این امور منتهی
بغایت انتظام و اشتمال بر فواید و مصالح عالم باشد و ایجاب این قصد از روی علم باشد دوم [illegible]
است که چون از احوال نفس [illegible] معلوم کرده‌ایم که مناط ظهور و انکشاف تجرد و عدم تعلق بماده
است چه مقتضی تعلقات مواد و [illegible] حالت تجرد انکشاف است [illegible] و باز در باب تحقیق
مواد و [illegible] در آن علوم و انکشاف [illegible] و [illegible] و بنا بر ملاحظه این احوال [illegible]
وقت [illegible] جمیع نفوس [illegible] معلوم کرده که مناط علم تجرد است و تجرد واجب الوجود در اعلی مراتب [illegible]
علم منکشف باشد و ذات و صفات ذاتیه که [illegible] باشد و آنچه [illegible]
و صفات ذاتیه باشد بر او منکشف باشد و در تقدیر تحقق [illegible] از [illegible] مستقل او [illegible]
از وجود [illegible] اگر گویند که اتصاف واجب الوجود بعلم ممکن نباشد زیرا که علم بالضرورة متعلق بمعلومی باشد و [illegible]
علم واجب [illegible] چه علم را باید که [illegible] معلوم باشد و نسبت [illegible] متصور نشود [illegible]
چه علم [illegible] از وجود اشیا [illegible] اشیا باشد [illegible] اشیا متغایره [illegible] در ذات [illegible]
باشد [illegible] جمیع الوجوه [illegible] جواب گوییم که جایز است که ذات او معلوم باشد و نسبت مقتضی تغایر ذاتی
نیست و تغایر اعتباری [illegible] جایز است که [illegible] معلوم باشد و ذات واجب [illegible] اجتماع [illegible]
[illegible] صحیح انکشاف باشد و ارتباط اشیا بذات [illegible]
[illegible] ارتباط [illegible] واجب [illegible] علمیه [illegible]
[illegible] اگر گویند که [illegible] موجب انکشاف [illegible]
ارتباط [illegible] موجب انکشاف [illegible]
[illegible] اگر گوییم [illegible] حصول صورت [illegible] صحیح انکشاف باشد و ارتباط

٤

و ارتباط بصورت [illegible] بصورت باعتبار حصول صورت [illegible] در عاقل [illegible] بصورت [illegible]
[illegible] صورت ارتباط عاقل موجب انکشاف است [illegible] از ارتباط بصورت [illegible] عاقل [illegible]
[illegible] موجب انکشاف اشیا باشد و [illegible] که قابل صورت [illegible] علم [illegible] و ارتباط
معلوم [illegible] صورت [illegible] باشد [illegible]
ارتباط [illegible] صورت صحیح انکشاف باشد و بباید دانست که مرتبه اول از مراتب علم تفصیلی واجب [illegible]
بارتباط [illegible] مرتبه دوم باعتبار حصول صور [illegible] اشیا با اعیان [illegible]
[illegible] اشیا [illegible] و حق آنست که انکشاف در این مراتب [illegible]
[illegible] و [illegible] جمیع احوال [illegible] جمیع اشیا منکشف است [illegible]
[illegible] مرتبه [illegible] اشیا معلوم [illegible] ذات [illegible]
[illegible] علم تفصیلی [illegible] مرتبه اول از مراتب [illegible] علم تفصیلی [illegible]
[illegible] ایجاد [illegible] از ایجاد [illegible] جمیع [illegible] اشیا [illegible]
[illegible] معلوم [illegible] علم [illegible]
[illegible] باید دانست که علم [illegible] اشیا [illegible] تغیر [illegible]
که آنچه معلوم [illegible] و آنچه [illegible]
پس [illegible] حصول [illegible] علم متغیرات [illegible]
باشد [illegible] واجب [illegible]
[illegible] اگر گویند [illegible]
واجب تعالی عالم باشد [illegible]
[illegible] انقلاب علم واجب [illegible] لازم آید [illegible] محال است [illegible]
[illegible] گوییم محال [illegible] اجتماع علم و عدم [illegible] لازم آمده [illegible]
آنست که اجتماع علم [illegible]

ارتباط عاقل بصورت [illegible]

کما علم [illegible]

از وجود و عدم متعلق علم او در وقتی مقتضی آنست که منکشف باشد [illegible]

تخلف مقتضی از مقتضی لازم آید نه از عدم مقتضی و چون عدم مقتضی محال [illegible] واجب [illegible]

واجب تعالی عالم الذات است [illegible] مستلزم وجوب [illegible]

تا نیز مستلزم امکان حصول علم [illegible] امتناع وجوب و امکان [illegible]

از آن حیثیت که علم [illegible] از آن حیثیت [illegible]

لذاته و توضیح این مقال آنست که ذات واجب تعالی [illegible] مقتضی آنست که [illegible]

[illegible]

فصل

[illegible]

فصل سوم

[illegible]

معطی و مفیض این کمالات است و مظهر کمالات و موصوف بآن کمالات بر وجه اتم و اکمل و اتصافه تعالی بصفة الوجود
اتصافات که در حقیقت [illegible] حقیقیه و عینیه است با کمل کمالات که از شائبه نقص امکان بری است و وجود
که نزد آن اعاظم نابود از علیه وجوب متبادر باشد و در سلک صفات ممکن مخلوق منسلک این صفات کمالیه
واجب الذات بود و اتصاف آن جناب احدیت [illegible] **فصل چهارم** در اثبات قدرت باری [illegible]
بدانکه قدرت صفت ایجاد و عدم آن بذات [illegible] و از آن حیثیت که قادر است [illegible] و مادام که فاعل موجب
نباشد ایجاد صورت نبندد و نشاید که وجوب معلول نسبت بواجب [illegible] نیست که
موجب معلول علت باشد و ایضا [illegible] زیرا که موجب [illegible] که موجود باشد [illegible]
سابق بر جمیع ممکنات جز واجب نباشد پس باید که فاعل [illegible] قدرت موجب باشد [illegible]
نامند و فاعل را باعتبار این صفت مرید گویند و بدانکه علم [illegible] کافیست در صدور از فاعل و الا لازم [illegible]
غیر علم [illegible] که موجب صدور باشد عزم فاعل است چه معلوم است که جز علم [illegible] و عزم فاعل [illegible]
فعل از فاعل [illegible] محتاج [illegible] و در تحقیق علم [illegible] کافی نباشد تسلسل [illegible]
آید [illegible] و قدیم بالذات [illegible]
[illegible] و لهذا المحققان [illegible] زیاده [illegible] اراده
[illegible] **فصل پنجم** در اثبات [illegible] بدانکه اتصاف حق تعالی بسمع و بصر از ضروریات
اسلامیه است [illegible] ادراک بآلات باشد [illegible] از آلات منزه است بلکه
محقق [illegible] آنکه [illegible] ادراک [illegible] بتوسط آلات منکشف میشود
بر او [illegible] بودن او عبارتست از بودن او [illegible]
چون سمیع و بصیر در وجود [illegible] **فصل ششم** در آنکه باری تعالی متکلم است بدانکه تکلم
باری سبحانه از ضروریات دین اسلام و [illegible] شریعت و نبوت بر ثبوت کلام
[illegible] که باری [illegible] تکلم [illegible] قدرت بر کلام است و چون قدرت
ثابت [illegible] کلام [illegible]

[illegible] آنست که کلام واجب اصوات و حروفیست که از او صادر شده و بغیر ذات واجب قائمست و
عبارتست از قدرت بر ایجاد کلامست صفتی واجبست و صادر از واجب حادثست و صفت واجب قدیم
اشاعره گویند که کلام باری تعالی صفتی است قائم بذات او و قدیم است [illegible] و کرامیه کلام واجب را
حروف و اصوات قائمه بذات او دانند [illegible] حروف و اصوات قائمه بذات را قدیم دانند و کرامیه
حادث [illegible] **دلیل** بر آنکه کلام الله حروف و اصوات است نه صفت ذات آنست که تکلم منقول ثابت شده و ثابت منقول
تکلم بحروف و اصوات است و **ایضا** قدرت بر کلام [illegible] **و ایضا** النص و الاجماع دالست
اتصاف کلام الله [illegible] بالآذان و مکتوبا فی المصاحف و مفصلا [illegible]
و الآیات [illegible] و امثال آن موصوف [illegible] بصفات الفاظ و اصوات است **و ایضا** کلام را
اطلاق بر الفاظ و اصوات کنند [illegible] معانی آن [illegible] مجاز [illegible]
بحسب الفاظ [illegible] پس کلام صفت حقیقیه [illegible] صفات سابقه [illegible]
اشاعره گویند که کلام باری صفت حقیقیه [illegible] علم و قدرت [illegible] الفاظ
[illegible] کلام نفسانی نامند [illegible] **تتمه** [illegible] که کلام الله الفاظ و عبارات حادثه
از ذات او است [illegible] اراده [illegible] ذات صادر شود و صدور افعال [illegible]
واجب الوجود [illegible] موافق مصالح [illegible] کذب [illegible]
و حکمت ارسال رسل و وضع شرایع [illegible] عباد و صلاح [illegible]
کذب [illegible] و ایضا اجماع و نصوص قاطعه [illegible] عدم صدور کذب [illegible]
[illegible] صدور کذب [illegible] و صدق انبیا بمعجزات [illegible] کلام باری [illegible]
فصل هفتم در آنکه واجب الوجود ازلی و ابدیست بدانکه چون وجود [illegible] بذات واجب [illegible] عدم
[illegible] مستحیل [illegible] موجود باشد ازلا و ابدا و مراد [illegible]
[illegible] زیرا که [illegible] واجب تعالی [illegible] زمان [illegible]
واجب [illegible]

بود از زمان و چون کسی غیر منتهی الطرفین بود و حالا استقرار وجود را از آن حیثیت که اسلام متغیر است بمتغیر ...
گوئیند و نسبت متغیر بثابت را دهر گوئیند چنانچه نسبت متغیر بمتغیر را زمان نامند **مطلب سیم** در صفات سلبیه مشتمل بر چند
فصل است **فصل اول** در آنکه واجب الوجود مرکب نیست و منزه است از اجزاء خارجیه و از اجزاء عقلیه چه اگر
از اجزاء خارجیه مرکب باشد محتاج باشد در وجود خارجی بهر یک از اجزاء و شک نیست که امور را که بهیچ وجه احتیاج بیکدیگر
نباشد واحد حقیقی از آنها بهم نرسد پس اگر واجب الوجود مرکب باشد باید که بعضی اجزاء محتاج ببعضی باشند و محتاج بخارج از خود
ممکن باشد بالضروره و محتاج بممکن احق است بامکان پس از ترکیب واجب امکان اش لازم آید پس واجب مرکب نتواند
بود از اجزاء خارجیه و چون ترکیب از اجزاء عقلیه عبارت است از آنکه اجزاء ذهنیه در عقل با اجزاء که در خارج با هم
باهم متحد باشند و چنان ترکیب متصور نباشد در آنکه وجود محض مقابل خارجی ... بود و ... ماهیتی
خارجیه باشد ... که موجود باشد بوجود ... پس واجب الوجود را ماهیتی نباشد پس ترکیب نتواند بود که او
از اجزاء عقلیه مجرد باشد **فصل دوم** در آنکه واجب الوجود را شریک نیست یعنی در ذات و وجوب وجود و حقیقت
... و بر این مطلب دو وجه توان کرد وجه اول آنکه گذشت که وجود واجب عین ذات اوست ... وجود
نفس وجود بود و معلوم است که وجود را حقایق مخالفه در تمام ماهیت نیست پس اگر واجب الوجود متعدد باشد
امتیاز ... متعین باشد بغیر باشد چه اگر در تعین محتاج بغیر باشد در وجود نیز محتاج بغیر باشد و ما دام که
... واجب الوجود نباشد ... در مرتبه ... حقیقتش ... زیرا که وجود
را حقایق مختلفه در تمام ماهیت ... ترکیب ... حقیقت واجب ... متعدد ... محض ... متشخص ... باشد و
تعینات مختلفه ... حقیقت ... نتواند بود پس واجب الوجود متعدد نباشد **وجه دوم**
وجود ممکنات که صفر ... نسبت ... متعدد ... از وجود ... و ... است ... نسبت
ممکنات ... از ... متعدد ... مختلف ... پس اگر دو واجب الوجود باشند ... ممکنات
... بهر یک ... اجزاء متعدد ... و مطلق ... مستقل ... ممکن نیست ... با وجود
شود ... و دیگر ... اختصاص ... با ... نیست ... مقصود ...
اگر واجب متعدد باشد ... ممکنات ... واقع ... باشند ... که ... لو کان فیهما آلهة

... و مشاهده ... و مخالفت ... **۳۴** العظیم یعنی متعالی از احاطه عقول و ابصار **۳۵** الغفور
... **۳۶** الشکور یعنی مجازی ... از طاعت و ثنا کننده بر آن ... و گفته اند یعنی جزا دهنده بر شکر است
و ... صفت فعل است **۳۷** العلی **۳۸** الکبیر یعنی بلند مرتبه که مرتبه فوق مرتبه او نباشد و کبیر آنکه او در آن
... کمال ذات و صفات باشد **۳۹** الحفیظ یعنی حافظ و دوام موجودات و رافع ... از تضاد ...
و گفته اند که ... از حفظ مقابل سهو و نسیان ... یعنی ... بر او روا نبود و گفته
... آنست که مشغول نسازد او را ... از چیزی ... یعنی از حفظ مقابل غفلت ... و یعنی او
صفت فعلیه است ... و بعلم ... **۴۰** المقیت یعنی معطی قوت و خالق قوت
و گفته اند یعنی مقتدر است و گفته اند ... است و گفته اند که حقیقت یعنی حافظ ... است و ...
اول صفت فعلیه باشد ... سیم ... بعلم ... چهارم صفت فعلیه **۴۱** الحسیب یعنی کافی
... اعمال ... یعنی ... کفایت عباد از مصالح و ...
... و یعنی اول از حساب یعنی ... حساب ... یعنی کافی ...
۴۲ الجلیل یعنی ... موصوف بصفات جمال و جلال ... صفات جلال ... و ...
... **۴۳** الکریم یعنی ... صاحب جود ... و گفته اند که ... یعنی
... یعنی اول ... و دوم ... و سیوم ... و چهارم صفات ... یعنی ...
... **۴۴** الرقیب یعنی ...
یعنی ملاحظه کننده ... لازم است ... حرکت ... اصلا ... فاعل ...
... **۴۵** المجیب یعنی اجابت کننده دعا ... و ...
... است و از صفات فعلیه است **۴۶** الواسع یعنی ... که وجود ... شامل جمیع موجودات ...
... محیط ... بعلم و قدرت ... جمیع اشیا ... صفات فعلیه ...
... **۴۷** الحکیم ...
...

اول از علم و فعل که بیابد و بعضی [illegible] و بعضی [illegible] الودود [illegible]

و دود [illegible] و الطاف [illegible]

[illegible] المجید [illegible] الافعال [illegible]

[illegible]

[illegible] الباعث [illegible] الشهید [illegible]

الحق [illegible]

[illegible]

[illegible]

بعضی از حکمت با امور خلق اللطیف یعنی [illegible] الرحیم یعنی مهربان بر عباد و نیکو [illegible]

کننده و نفع رساننده بعباد و [illegible] مصالح ایشان [illegible] التواب یعنی [illegible] توبه عباد و قبول

کننده توبه از عباد [illegible] کننده بفضل بر عباد [illegible] المنتقم یعنی عقاب کننده عاصیان العفو یعنی

محو کننده سیئات [illegible] آثار آن [illegible] کننده [illegible] الرؤف یعنی رحمت بسیار

دارنده بر عباد [illegible] مالک الملک یعنی [illegible] کننده [illegible] در جمیع امور و [illegible]

چنانچه خواهد الرشید یعنی [illegible] هدایت کننده بطریق مستقیم

[illegible] الصبور یعنی تعجیل نکننده [illegible]

[illegible]

[illegible]

مطلب ششم در نبوت [illegible] فصل اول در معنی نبی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] فصل دوم در حسن بعثت [illegible] الطیف

[illegible]

[illegible]

[illegible] موافق عقل کنند

ارسال رسل لطف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] فصل سوم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل چهارم در [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نبوت و آنچه متعلق بها گشت یا آنکه خرق عادت واقع نشود مگر با یجاد [illegible] خارق عادت [illegible]
در حد [illegible] فعل مخالف عادت یا اعطاء [illegible] وفق عادت که بوسیله آن اظهار معجزه [illegible]
[illegible] بر خلاف [illegible] فعل خارق [illegible] پس معجزه واقع نشود مگر با یجاد [illegible] خارق عادت [illegible]
[illegible] دلالت بر حسن [illegible] عادت [illegible] و عقل در حکم [illegible] خارق عادت [illegible]
لهذا [illegible] حکم بصدق [illegible] خارق عادت بر وفق دعوی [illegible] آنچه [illegible]
[illegible] خارق عادت [illegible] دلالت بر صدق [illegible] نبوت [illegible]
[illegible] امور [illegible] خارق [illegible] بر صدق [illegible] خارق عادت [illegible]
[illegible] خوارق عادات [illegible] بر خلاف عادت [illegible]
[illegible] بر صدق [illegible] خلاف عادت [illegible] تکلیف [illegible]
[illegible] خارق عادت [illegible]
[illegible] آنکه [illegible]
عادت [illegible] معجزات [illegible] خلاف عادت [illegible]
[illegible] صدور از انبیا [illegible]
[illegible] **فصل پنجم** در اثبات نبوت نبینا صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] قرآن مجید [illegible] علم بصدق [illegible]
بصدق [illegible] اظهار معجزه [illegible] اعجاز قرآن آنست که [illegible]
[illegible] قرآن [illegible] فصحا و بلغا [illegible] دلالت [illegible] اعجاز [illegible]
[illegible] قرآن [illegible]
[illegible]
[illegible] نبوت
[illegible]

[illegible] معجزات انبیای سابقین [illegible] اخبار انبیای سابقین [illegible] بشارت [illegible]
[illegible] معجزه [illegible] معجزات [illegible] متواتر [illegible]
[illegible] متواتر [illegible] **فصل ششم** در دفع شبهه [illegible]
[illegible] شریعت سابقه [illegible] شریعت [illegible]
[illegible] نسخ [illegible]
[illegible] مصالح [illegible] اوقات [illegible] ازمان [illegible] اوضاع مختلف [illegible]
[illegible] اوقات [illegible] اوضاع [illegible] نسخ [illegible]
[illegible] شرایع سابقه [illegible] باختلاف اوقات [illegible] اوضاع نسخ واقع شود [illegible]
[illegible] شریعت آدم [illegible] نوح علیه السلام [illegible] نسخ
[illegible] انبیای سابقین [illegible] نسخ [illegible]
[illegible]
[illegible] شریعت [illegible] نسخ [illegible]
[illegible]
[illegible] انقطاع [illegible] **مطلب هفتم** [illegible] **فصل اول**
[illegible] امام [illegible]
[illegible] شریعت [illegible] امامت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **فصل دوم** [illegible]
[illegible]
[illegible]

قوای شهویه و غضبیه ممنوع شده بود و قوای عقلیه راجح الانقیاد گشته اگر بودن زاجر و نصب امام که ایشان [illegible]

مذکوره از مقتضیات خود و عدم انزجار بعد و ارتکاب جانبشان راجح گشته قوای عقلانیه مغلوب گردد و

بتحصیل شر مرتبه بر رواج بدع و ظهور فتنه و فساد والحاصل لطف که واجبست عقلا بر آنکه باشد زاجر و مانع

لطف بوجود کسی حاصل شود و ما معروف باشد تجلی با منصوب باشد بجهت اطاعت خلق او را پس امام الاحری

واجب باشد و نصب امام احد اللطفیان باشد و چون نبینا صلوات الله علیه خاتم انبیا باشد و بعثت نبوت

بعد از وی واقع نشود نصب امام متعین الوقوع باشد و متعین اللطفیه **فصل سیوم** در طرق معرفت امام بعد

امامت او بدانکه چون نصب امام بطریق [illegible] رعیت العلم نشوانند و عقل مستقل نیست بمعرفت امامت

شخصی مخصوص و متمکن از معرفت او نیست مگر باخبار رسول یا امامی که تنصیص نموده باخبار [illegible] امام

بمعجزه که عقل بمعرفت معصوم باشد صفات مستقل باشد یا بملاحظه خارق عادت و ظهور آن [illegible]

و فق دعوی الامامت بتقدیر اخبار امام مخصوص باشد بعلم یا قدرت بر خلاف عادت و الا بالاظهار معجزه اثبات

امامت نتوانند نمود و آنکه نصب امام باختیار رعیت باشد چه اختیار رعیت موجب لطف نباشد [illegible]

نصب امام برعیت باعث نزاع و فساد باشد و آنکه اثبات امامت باجماع غیر مستند باخبار [illegible]

نمود امامت باشد چه اجماع غیر مستند خطا است واقع نشود پس معلوم شد که طریق معرفت امام [illegible]

در اخبار رسول یا ظهور معجزه بر ید امام و جماعت متواتره را با اجماع و اتفاق او و اهل [illegible]

رسول یا اظهار معجزه [illegible] و اتفاق که معلوم باشد که با صواب مستند نیست اجماع نباشد [illegible]

نشد **فصل چهارم** در صفاتی که امام باید بان متصف باشد بدانکه باید که عالم بمسائل [illegible]

[illegible] امت نباشد کسی از و بهتر تواند بود و لطف بوجود کسی متحقق تواند شد و ایضا باید که معصوم

و از [illegible] معصیت و صغایر و کبایر مبرا از تکالیف معصیت از کسی که منصوب باشد از قبل [illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

امام واجبست [illegible]

[illegible]

مکلف او مجوز معصیت مجوز بود و امر حرام مجوز بود و چه عقل حاکمست بعدم فرق و الا امر حرام مجوز بود [illegible]

واجب بود و چون فعل حرامست بخالفت امام واجب باشد و اجتماع وجوب اطاعت بخالفت [illegible] فعل او [illegible]

نیست و ایضا انکار شخص واجب و او بود و انکار مستلزم اهانتست و وجوب اهانت منافی وجوب تعظیم و

اجلال است که منصوص است از قبل الله تعالی واجبست و ایضا باید که بکمال عقل و ذکاوت و استقامت [illegible]

باشد و الا متابعت و انقیاد کسی مرغوب طبایع نباشد و باید که منزه باشد از صفات مشینه موجبه نفرت و [illegible]

الاطاعت و الاطف مقصد بعثش لطف بنابر **فصل پنجم** در آنکه امام و خلیفه رسول بعد از و امیر المؤمنین علی

ابن ابی طالب علیه السلام است چه معلوم شد که نصب امام لطف است و طریق علم بان اخبار نبی یا اظهار معجزه است [illegible]

الامامت [illegible] که نص امام یا اظهار معجزه [illegible] دعوی الامامت واقع باشد و نص امامت مخصوص [illegible]

امیر المؤمنین علیه السلام یا امامت موصوف بصفتی که در غیر او متحقق باشد و در او باشد و اظهار معجزه [illegible] دعوی الا

در غیر او باتفاق کل مسلمین واقع نشده و چون لطف بعد از امور متحقق نشود باید که اخبار و تنصیص

[illegible] معجزه [illegible] دعوی الامامت واقع باشد و چه معلوم و متفق علیه است که در حق او واقع نشده [illegible]

[illegible] و ایضا اخبار [illegible] امامت امیر المؤمنین علیه السلام [illegible] که در سیر [illegible] نقل [illegible]

[illegible] اخبار [illegible] از انکه مشترک است [illegible] بلا رتبه و از جمله اخبار [illegible]

[illegible] که بطرق متکثره از رسول صلی الله علیه و آله منقول شده که در [illegible]

[illegible] السلام [illegible]

[illegible] اللهم وال من والاه و عاد من عاداه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

صدر این کلام ... است با آنکه مراد از مولا اولی است ... اولویت مذکوره در صدر کلام اولویت در تصرف ... [illegible]

تواند بود ... مراد از مولا ... باشد و ایضا اولویت ... در تمام ... [illegible]

ظهور ... حسان بن ثابت از حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... [illegible]

شان امیر المؤمنین ... آنحضرت فرمود ... [illegible]

... [illegible] ... یناديهم یوم الغدیر نبیهم بخم و اسمع بالرسول منادیا

فقال فمن مولاکم و ولیکم فقالوا و لم یبدوا هناک التعامیا الهک مولانا و انت ولینا

و لم تجد منا فی الولایة عاصیا فقال له قم یا علی فاننی رضیتک من بعدی اماما و هادیا و از احادیث

مشهور ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بطرق مختلفه ... [illegible]

... [illegible] ... بعدم جواز احراق ... [illegible]

[illegible]

... [illegible] ... از صحابه ... رسول صلی الله علیه و آله ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

١٢

فسق و فجور ولید بن عتبه که امامت نماز کرد در حالت مستی و صورت جنازه جبران فتنه انگیز [illegible] که اسلام

ترفیع ساخته آثار را بانار فجور گردانید و بالجمله جبران ناشایسته از وظهور آمد که کل اصحاب باتفاق

[illegible] از وجوه [illegible] و ایضا تخلف ایشان از جیش اسامه بعد از آنکه رسول صلی الله علیه و آله

[illegible] فرموده و امور ساخته بود [illegible] با جیش اسامه و مبالغه در آن نموده بود و فرموده بود

چنانچه بطرق صحیحه منقول است جهزوا جیش اسامه لعن الله من تخلف عنه دلالت واضح بر فسق ایشان دارد

فصل ششم در اثبات امامت باقی ائمه اثنی عشر علیهم السلام بدانکه بعد از امیر المؤمنین ع امام بحق [illegible]

ابو محمد الحسن بن علی بن ابی طالب ع و بعد از و امیر المؤمنین ابو عبد الله الحسین بن علی ع و بعد از و زین العابدین علی

بن الحسین ع و بعد از و ابو جعفر محمد بن علی باقر العلوم ع و بعد از و ابو عبد الله جعفر بن محمد الصادق ع

و بعد از و الکاظم ابو الحسن موسی بن جعفر ع و بعد از و الرضا ابو الحسن علی بن موسی ع و بعد از و الجواد

ابو جعفر محمد بن علی ع و بعد از و النقی ابو الحسن علی بن محمد ع و بعد از و ابو محمد الحسن بن علی ع و بعد از و الحجة

القائم ابو القاسم م ح م د بن الحسن ع و در اثبات امامت ایشان دو مسلک است مسلک اول النص سابق بر لاحق چه نص

امیر المؤمنین ع بر امام حسن ع متواتر است و نص امیر المؤمنین و امام حسن بر امام حسین ع متواتر است و نص [illegible]

حسین بر امام زین العابدین بطرق معتبره منقول است و همچنان النص هر امام سابق بر امام لاحق بعد از آنکه

رسول الله صلی الله علیه و آله نص بر ایشان منقول است از جابر بن عبد الله انصاری رضی الله عنه مرویست که چون آیه

یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم نازل شد گفتم یا رسول الله اولی الامر

کیانند که اطاعت ایشان را مقرون باطاعت خدا و رسول ساخته گفت صلی الله علیه و آله هم خلفائی یا جابر و ائمة المسلمین بعدی

اولهم علی بن ابی طالب ثم الحسن ثم الحسین ثم علی بن الحسین ثم محمد بن علی المعروف فی التوریة بالباقر و ستدرکه یا

جابر فاذا لقیته فاقرأه منی السلام ثم الصادق جعفر بن محمد ثم الکاظم موسی بن جعفر ثم علی بن موسی ثم محمد بن علی ثم

علی بن محمد ثم الحسن بن علی ثم سمیی و کنیی حجة الله فی ارضه و بقیته فی عباده ابن الحسن بن علی ذاک الذی یفتح الله

علی یدیه مشارق الارض و مغاربها [illegible]

[illegible] امامت [illegible]

و منقول [illegible]

ثبت [illegible] ایشان و تنصیص ایشان بر امامت متحقق باشد مسلک ثانی در روایات کثیره داله بر آنکه ائمه و خلفا اثنی عشر

اند [illegible] از مسروق مرویست که گفت نزد عبد الله بن مسعود بودم جوانی از وی پرسید که هل عهد الیکم نبیکم کم یکون

من بعده خلیفة عبد الله او را گفت [illegible] و قد سألنا عنه رسول الله فقال اثنی عشر عدة نقباء بنی اسرائیل

[illegible] از مسلم بن قیس مرویست که گفت شنیدم از عبد الله بن جعفر طیار

که گفت [illegible] حسن و حسین ع و عبد الله بن عباس و عمرو بن ام سلمه و اسامه

بن زید حاضر بودند [illegible] گفتم [illegible] از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که میگفت انا اولی بالمؤمنین من

انفسهم ثم اخی علی بن ابی طالب اولی بالمؤمنین من انفسهم فاذا استشهد علی فالحسن بن علی اولی بالمؤمنین من انفسهم

ثم ابنی الحسین من بعده اولی بالمؤمنین من انفسهم فاذا استشهد فابنه علی بن الحسین اولی بالمؤمنین من انفسهم و ستدرکه

یا علی ثم ابنه محمد بن علی اولی بالمؤمنین من انفسهم و ستدرکه یا حسین ثم تکمله اثنی عشر اماما تسعة من ولد الحسین [illegible] بشهادت

طلبیدم حسن و حسین علیهما السلام و عبد الله بن عباس و عمرو بن ام سلمه و اسامه بن زید را و او را گواهی دادند [illegible]

[illegible] سلیم [illegible] گفت این حدیث شنیدم از سلمان و ابوذر و مقداد که گفتند از رسول الله شنیدیم

و از اهل البیت بطرق معتبره [illegible] مرویست که [illegible] و ائمه علیهم السلام دوازده [illegible]

[illegible] ائمه اثنی عشر [illegible]

[illegible]

بر رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] دوازده [illegible]

[illegible] رسول الله [illegible] باثبات [illegible]

که ائمه اثنی عشر دوازده شخص دیگر نیستند که متصف بامامت باشند **فصل هفتم** در دفع شبهه [illegible]

شبهه اول آنکه رسول الله نص بر امامت امیر المؤمنین کرده بودی [illegible] صحابه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۳

مصروف نبوت او بود نه در بیان ایشان بعد و منع امثال این عمل قبیح که مخالف عقل و [illegible] شود [illegible]
[illegible] و عدم امتناع [illegible] و زجر [illegible] و امثال آن [illegible] قسم اتفاقات و
[illegible] از علما و [illegible] باشند که خلافت [illegible]
و ولایت [illegible] کرده باشند که مقتضای خلافت [illegible] امور دینیه و مسائل و احکام شرعیه است و
چون رسول الله صلی الله علیه و آله از ملک و سلطنت مجتنب بوده و فقر و مسکنت افتخار می‌نمود و از وصیت او
بخلافت و امامت وجوب اتباع در امور ملکی [illegible] امور ملکی بر اراده او
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] روایات [illegible]
[illegible] روایات آنست که در زمان بنی امیه [illegible] روایتی در فضیلت یکی از [illegible] نقل
[illegible]
[illegible] خلافت و افضلیت [illegible]
[illegible] رسول الله [illegible]
[illegible]
[illegible] روایات [illegible] خلافت [illegible]

[illegible]

[illegible] در فضایل امیر المؤمنین علیه السلام [illegible] رسول الله [illegible]
[illegible]
[illegible] رسول الله [illegible]
[illegible] روایات [illegible]
[illegible]
[illegible] خلافت و امامت [illegible]
[illegible] رسول الله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] روایات
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مطلب ششم در معاد [illegible] فصل اول
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

اولا زیرا که اگر چون نفس باقی باجزاء اصلیه باقیه بعد از تفرق تعلق گیرد شخص معاد باشد و اعاده معدوم لازم [illegible]
نیاید و جمع اجزاء و تعلق نفس از امور ممکنه است و دلیل ابطال تناسخ دلالت بر امتناع این تعلق نکند و تعلق
سابق [illegible] تعلق لاحق نتواند بود بالاتفاق محذوری که لازم از تعلق [illegible] و موید [illegible] محذور از تعلق [illegible]
کما لا یخفی [illegible] علامه [illegible] باتصال محذور از تعلق [illegible] دلیل [illegible] تناسخ [illegible]
پس معاد جسمانی ممکن باشد **فصل دوم** در ثبوت معاد جسمانی بدانکه چون نبوت نبینا علیه السلام و انبیاء سابقین صلوات
الله علیهم اجمعین ثابت شده است و وقوع معاد جسمانی [illegible] از ایشان [illegible] آیات کلام
مجید [illegible] تحقیق معاد جسمانی [illegible] مثل قوله تعالی ایحسب الانسان الن نجمع
عظامه [illegible] قوله تعالی [illegible] وانظر الی العظام کیف ننشزها ثم نکسوها لحما و قوله تعالی [illegible]
و هو رمیم قل یحییها الذی انشأها اول مرة و قوله تعالی یوم تشقق الارض عنهم سراعا و قوله تعالی فاذا هم من الاجداث
[illegible] و قوله تعالی قصه ابراهیم رب ارنی کیف تحیی الموتی قال اولم تؤمن قال بلی ولکن لیطمئن قلبی [illegible]
[illegible] و [illegible] الآیة [illegible] بالجملة الآیات [illegible] بر معاد جسمانی و اخبار وارده
[illegible] ثابت است [illegible] بر آن [illegible]
[illegible] **فصل سوم** در [illegible] معاد [illegible]
[illegible] انسان [illegible]
[illegible] معاد [illegible]
[illegible] آنست که [illegible] معاد جسمانی [illegible] اعاده اجزاء اصلیه است [illegible] اجزاء مذکوره [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] جسمانیات [illegible]

[illegible] **فصل سوم** در آنکه حلول بر واجب الوجود جائز نباشد [illegible]
[illegible] صفت [illegible] موصوف [illegible] واجب الوجود
[illegible] اتصاف [illegible] حلول [illegible]
[illegible] صفت [illegible] واجب [illegible]
[illegible] واجب [illegible] صفت [illegible]
[illegible]
[illegible] واجب [illegible] صفت [illegible]
[illegible] واجب [illegible] وجود
[illegible] واجب [illegible]
[illegible] کمال [illegible] نقصان [illegible] کمال تام [illegible]
[illegible] موصوف [illegible] صفت [illegible]
[illegible] واجب [illegible] **فصل چهارم** در آنکه واجب الوجود متحیز نیست [illegible]
[illegible] واجب الوجود [illegible] متحیز [illegible] متحیز بالذات [illegible] متحیز بالتبع [illegible]
[illegible] متحیز بالتبع [illegible] حلول [illegible] متحیز بالذات [illegible]
[illegible] اجزاء [illegible] الحقیقة [illegible] الحقیقة [illegible]
[illegible] اجزاء [illegible] واجب [illegible]
[illegible] واجب [illegible] ممتنع [illegible] واجب [illegible]
[illegible] حقیقت [illegible] اجزاء [illegible] الحقیقة [illegible]
[illegible] واجب [illegible] واجب الوجود جسم نباشد [illegible]
[illegible]
[illegible] واجب الوجود [illegible]

زیرا که [illegible] متحیز بالذات [illegible]

باشند حقیقة

باشد زیرا که ممتنع ما وجود متصور نباشد و عدمش منافی نتواند بود **فصل پنجم** در آنکه واجب الوجود متحد [illegible]
با آنکه اتحاد ما واجب با واجب دیگر چون تعدد واجب ممتنع است مجوز نباشد و اتحادش با ممتنع یا ممکن ممتنع
مستحیل است و اتحادش با ممکن مستلزم وجوب ممکن یا امکان واجب باشد پس واجب الوجود متحد با غیر نباشد
فصل ششم در آنکه واجب الوجود با آلات جسمانیه درک نشود چون آنچه با آلات جسمانیه درک شود متصور و متحیز که
و واجب الوجود متصور و متحیز نتواند بود پس واجب الوجود با آلات جسمانیه درک نشود و هر جا که ادراک نسبت
شود مر او را با آلات جسمانیه حقیقت روئیت نباشد و اگر روئیت بر آن اطلاق شود مجاز باشد و نقلیات که دلالت
جواز روئیت و محمول بر روئیت غیر حقیقیه باشد و نقلیات که وارده در عدم جواز روئیت محمول بر روئیت با بصر
و آلات جسمانیه باشد **فصل هفتم** در آنکه واجب الوجود در وجود و اتصاف بصفات کمالیه محتاج بغیر خود
و هر چه غیر واجب است بواجب محتاج باشد چون واجب الوجود بنفس وجود باشد و اتصافش بصفات
کمالیه لوازم ذات باشد احتیاجش بغیر جایز نباشد و چون ممکن بذاته موجود نتواند شد هر چه غیر واجب است محتاج باو
باشد **تتمه** آنچه از صفات مغایر صفات سابقه دانسته اند مثل بقا و وجود و قدم و رحمت و امثال آن
و تکوین راجع بصفات مذکوره اند و مغایر آن صفات نیستند چه بقا عبارت از قدرت است و جواز وجود و
قدم [illegible] و رحمت [illegible] از اراده است [illegible] و تکوین از قدرت و اراده [illegible]
از عدم [illegible] و کون [illegible] فاعل [illegible] صحیح باشد [illegible]
[illegible] الاراده باشد و کون [illegible] محتاج [illegible]
دلیل بر صفات مغایر صفات مذکوره سابقه نیست **مطلب چهارم** در افعال [illegible] این مطلب مشتمل است بر ده
فصل **فصل اول** در تقسیم افعال بحسن و قبح عقلیین [illegible] فعل [illegible] از فاعل مختار باشد یا از غیر فاعل
مختار و قسم [illegible] متعلق مدح و ذم و ثواب و عقاب نشود و قسم اول اگر فاعلش مستحق ذم یا عقاب بر آن فعل
باشد آن فعل را قبیح گویند و اگر فاعل مستحق ذم یا عقاب بر آن فعل نباشد آن فعل را حسن گویند و متکلمین [illegible]
[illegible] حسن و قبح [illegible] [illegible]
[illegible] اختلاف در حسن و قبح [illegible]

بعضی مذکور است نه در حسن و قبح بمعنی [illegible] مناظره [illegible] حسن و قبح بمعنی کمال [illegible] صفت و نقص [illegible]
صفت [illegible] حسن و قبح [illegible] محل خلاف نیست **تنبیه** حسن و قبح [illegible] اختلاف کرده اند در
آنکه حسن و قبح لذاته است یا بصفت حقیقیه لازمه است یا بوجوه و اعتبارات **و** بعضی فرق کرده اند میان حسن و قبح
[illegible] قبیح بصفت حقیقیه قبیح است و حسن بصفت حقیقیه حسن نیست و حق آنست که هر یک از حسن و قبح عقلی
[illegible] بوجوه [illegible] پس هر فعل [illegible] حسن و قبح لذاته باشد چون صدق و کذب [illegible]
[illegible] و [illegible] الفساد و الصلاح [illegible] بوجوه و اعتبارات باشد چون [illegible]
[illegible] شارع است حسن الفعل [illegible] **و** [illegible] حسن [illegible] مذکور [illegible]
[illegible] فاعلش مستحق مدح یا ثواب باشد [illegible] و با اطلاق اول فعل حسن [illegible]
[illegible] فاعلش مستحق ذم و عقاب نباشد فاعلش مستحق مدح یا ثواب باشد یا نه [illegible]
[illegible] فاعلش مستحق مدح یا ثواب باشد و فاعلش مستحق ذم یا عقاب [illegible]
[illegible] مستحق مدح یا ثواب باشد و فاعلش مستحق ذم و عقاب نباشد [illegible]
[illegible] مستحق مدح یا ثواب باشد [illegible] مستحق مدح یا ثواب باشد [illegible]
ثواب نباشد مباح [illegible] مباح داخل حسن [illegible] حسن و قبح [illegible]
[illegible] حسن و قبح [illegible] در قبح [illegible] استعمال [illegible]
[illegible] اطلاق [illegible] تحقیق [illegible]
[illegible] حالت [illegible] حکم کنند بقبح فعل [illegible] بتحقیق [illegible] افعال [illegible]
[illegible] احسان و قبح ظلم [illegible] از ثبوت شرع [illegible] عقل [illegible] استحقاق مدح و جزا [illegible]
[illegible] استحقاق ذم [illegible] بر ظلم [illegible]
[illegible] حسن و قبح شرعی [illegible] استحقاق مدح و ذم [illegible] مدح [illegible] ذم [illegible]
[illegible] استحقاق [illegible] حسن و قبح
[illegible] اصطلاح [illegible]

و منهم [illegible] بودن [illegible]

حکم عقل بحسن امور و قبح منهی عنه او نیست پس حکم عقل بحسن و قبح معتبر باشد و کلام در حسن ایمان و مدح و ذم [illegible]

ایمان بر چیزی است که مذکور شد و اما اخبار با تحقق [illegible] حسن و قبح ممتنع باشد و اگر

مطلقا [illegible] حسن و قبح [illegible] اخبار نباشد و ایضا اگر حسن و قبح عقلی نباشد ممتنع باشد [illegible] جایز خواهد بود

تقبیح طاعت و تحسین معصیت [illegible] اگر گویند که [illegible] کذب قبیح باشد عقلا و صدق حسن

باشد عقلا [illegible] صدق [illegible] قبیح [illegible]

[illegible]

فصل دوم

[illegible]

[illegible]

فصل سوم

[illegible]

فصل چهارم

[illegible]

۱۷

ان الله علیم بذات الصدور الا یعلم من خلق وهو اللطیف الخبیر و قال الله تعالی من عمل صالحا فلنفسه ثم الی ربکم [illegible] ساء [illegible]

علیها [illegible] من عمل سیئة فلا یجزی الا مثلها [illegible] الذین آمنوا و عملوا الصالحات و ما یفعلوا من خیر فان الله به علیم [illegible]

الخیر و لتسئلن عما کنتم تعملون و الله خلقکم و ما تعملون و [illegible] فعل [illegible] و النسبة [illegible] اراده و [illegible]

[illegible] قال الله تعالی [illegible] فی

[illegible] و قال تعالی حکایة ربنا و اجعلنا مسلمین لک [illegible] رب اجعلنی مقیم الصلوة و [illegible]

ربنا [illegible] قوله تعالی یفعل الله ما یشاء [illegible] دلالت بر [illegible] فعل [illegible]

[illegible] از [illegible] تعالی [illegible] و [illegible] فعل الله [illegible] اراده و مشیت [illegible]

[illegible]

[illegible] چنانچه در کلام مجید [illegible] قوله تعالی [illegible] و اذا تقی

[illegible] خلق [illegible] تقدیر و تصویر است [illegible]

[illegible] قوله تعالی [illegible] احسن الخالقین [illegible] تقدیر [illegible]

[illegible] تقدیر و تصویر [illegible] اراده [illegible] فعل [illegible]

[illegible] ثواب و عقاب بر طاعت و معصیت [illegible] و اما قول

[illegible] حوادث [illegible] قضا و قدر [illegible] قضا و قدر [illegible]

[illegible] حوادث [illegible] قضا و قدر [illegible]

[illegible] ایجاب و الزام [illegible] تکلیف [illegible] واجبات [illegible] ایجاب [illegible]

[illegible] لوح محفوظ [illegible]

[illegible] جمیع حوادث در لوح محفوظ [illegible] باشد **فصل پنجم** در آنکه اضلال عباد [illegible]

[illegible] اضلال [illegible] اضلال [illegible]

[illegible] اضلال [illegible]

[illegible] اضلال [illegible]

[illegible] اضلال [illegible] اهل کفر [illegible] استحقاق ابقا بر ضلال شده باشند [illegible] ابطال و الزام [illegible]

[illegible] ضلال [illegible] قبیح نیست [illegible]

[illegible] قبیح [illegible] کلام مجید [illegible]

[illegible] اطفال کفار [illegible]

[illegible] اطفال کفار [illegible]

[illegible] اطفال [illegible] احکام کفر [illegible] بعضی احکام کفر [illegible] تبعیت [illegible] کفر [illegible]

کفر نیست **فصل ششم** در حسن تکلیف [illegible] تکلیف حسن است [illegible] تکلیف [illegible]

[illegible] تکلیف [illegible] استحقاق [illegible]

[illegible] تکلیف [illegible]

[illegible] تعظیم [illegible] تکلیف حسن [illegible] استحقاق [illegible]

تعظیم [illegible] تعظیم [illegible] استحقاق [illegible] تکلیف

[illegible] تعظیم [illegible] استحقاق [illegible] تکلیف [illegible]

[illegible] تعظیم [illegible]

[illegible] تکلیف [illegible] استحقاق [illegible]

تکلیف [illegible] انواع

[illegible] حیوان [illegible] انسان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۸

تکلیف نیست بجهت نصب دواعی شر و فساد بر اقامت موانع و زواجر از تقریب قبایح و منع الطاف بلکه

تحریص بر آن و تقریب قبایح و تحریص بر آن قبیحست پس ابطال قول اشاعره و تجویز ایشان [illegible]

را و نیز مجوز نباشد پس وقوع تکلیف لازم باشد و ترک آن غیر جایز و بدانکه حسن تکلیف مشروط است بانکه در تکلیف [illegible]

باشد نسبت بمکلف بانکه تکلیف [illegible] مکلف [illegible] اشتراط این تکلیف [illegible]

تکلیف دیگر [illegible] مکلف [illegible] تکلیف [illegible] از طاعت مکلف دیگر [illegible]

تکلیف [illegible] مکلف [illegible] تکلیف قبیح باشد و شرط است [illegible] تکلیف

[illegible] و شرط است بعلم مکلف بصفات فعل از حسن و قبح و [illegible]

[illegible] و تقبیح [illegible] تکلیف [illegible] شرط است بعلم و قدرت مکلف بر فعل و تمکن از آن فعل

[illegible] مکلف [illegible]

[illegible]

[illegible] فصل هفتم در عموم تکلیف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل ششم

[illegible]

[illegible] در آلام [illegible]

[illegible]

بنود نه باشد حسن باشد و اما الم ابتداء اگر مشتمل بر نفع زاید بر الم که بعوض آن حاصل شود یا بر دفع ضرر زاید

بر الم باشد حسن است و مقتضای عادت [illegible] بر وجه دفع حسن است بنا بر آنکه عقلا و اولی الالباب [illegible]

و حفظ عادت [illegible] که [illegible] وفق المصلحه [illegible] شود باشد و اما الم ابتدائیه

مشتمله بر نفع [illegible] تفصیلا [illegible] بر لطف [illegible] حسن باشد [illegible]

بر لطف باشد [illegible] اما عوض که عبارت است از نفع مستحق خالی از تعظیم و اجلال

[illegible]

[illegible]

۲۰

باید گذاشت که بر وفق حکمت کامله [illegible] واقع شود [illegible]

قرار یابد منسوب باو است که اگر [illegible] اجابت ملتمس ایشان [illegible] قبول [illegible]

معذور [illegible] از حضرت واقع شود [illegible] جواب کلمات [illegible]

[illegible] **مطلب پنجم** در [illegible] و آن مشتمل است بر چهار فصل **فصل اول** در تحقیق اسم

اسم عبارت است از الفاظ [illegible] و خلاف است میان علما [illegible] کلام [illegible]

خلاف [illegible] اسم است [illegible] حقیقت [illegible]

[illegible] خلاف [illegible] واقع است [illegible]

[illegible] خلاف [illegible] اطلاق [illegible] الفاظ [illegible]

[illegible]

بوجود [illegible] موجود بوجود [illegible] خلاف واقع شده [illegible]

[illegible] موجود بوجود [illegible]

[illegible] موجود بوجود [illegible] خلاف واقع [illegible]

[illegible] الفاظ [illegible]

[illegible] حقیقت [illegible]

[illegible] **فصل دوم** در

تقسیم اسم [illegible] توصیف [illegible]

[illegible] اختصاص [illegible]

[illegible] صفت [illegible]

صفت حقیقیه [illegible]

از اقسام [illegible]

[illegible]

نزاده صفت بر ذات [illegible] الفاظ [illegible]

[illegible] اطلاق [illegible] باقسام [illegible]

و [illegible] **فصل سوم** در اطلاق [illegible]

[illegible] الفاظ [illegible]

[illegible] اطلاق [illegible] صفات [illegible]

[illegible] اطلاق [illegible]

[illegible]

توصیف [illegible] اطلاق [illegible]

[illegible] اطلاق [illegible] توصیف [illegible] اطلاق [illegible]

[illegible] اطلاق [illegible]

[illegible] از ذات **فصل چهارم** در [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اطلاق [illegible]

از [illegible] صفات کمال [illegible] صفات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۲۱

دوم آنکه مشتق از رحمت و بمعنی معطی نعم جلیله و دقیقه باشند بالنسبه با انعام و بر تقدیر اول مأخوذ از صفت
فعلیه وجودیه باشند و بر تقدیر ثانی راجع باراده باشند و در اسم رحمن مبالغه ایست که در رحیم نیست لهذا گویند یا رحمن
الدنیا والآخرة و گفته‌اند رحمن الدنیا و رحیم الآخرة و رحمن را بر غیر واجب الوجود اطلاق نکنند لکن باعتبار معنی
در واجب استعمال نمایند و رحیم را بر غیر اطلاق کنند الملک [۳] مشتق است از ملک و ملک قادری است که قدرت [illegible]
داشته باشد یا آنکه هر چه کند آنرا [illegible] یا آنکه [illegible] و مستغنی باشد یا آنکه متصرف باشد
بامر و نهی در امور یا آنکه محتاج نباشد بچیزی و همه چیز باو محتاج باشند و همه او را باشند و [illegible]
اول و دوم بقدرت راجع باشد و معنی سیم و چهارم بفعل راجع باشد و معنی پنجم مرکب باشد از سلب و اضافه
القدوس [۴] مشتق است از قدس بمعنی پاکی و معنی قدوس پاکیزه و مبرا از معایب و نقایص است و گفته‌اند که
قدوس آنست که مدرک [illegible] اوهام و ابصار نشود [illegible] و معنی صفت سلبیه است السلام [۵] از مصادر است که اطلاق
شده است در مقام اسم و معنی سلام سالم از نقایص در ذات و صفات و افعال است و گفته‌اند که بمعنی معطی
سلامت در دنیا و عقبی است و معنی اول سلب است و داخل [illegible] و معنی ثانی صفت فعلیه باشد و معنی سلام کننده [illegible]
گفته‌اند [illegible] سلام قولا من رب رحیم [illegible] المؤمن [۶] مأخوذ است از ایمان بمعنی [illegible]
و معنی مؤمن مصدق نفس خود باشد و مصدق [illegible] و مصدق عباد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] المهیمن [illegible] استعمال کنند و گفته‌اند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] العزیز [illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible] الجبار [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] المتکبر [illegible]
[illegible] و گفته‌اند [illegible] از صفات [illegible]
[illegible] از صفات [illegible] بصفات کمال و معنی اول [illegible]
[illegible] الخالق [۱۲] البارئ [۱۳] [illegible]
[illegible] از عدم بوجود [illegible] خالق [illegible]
[illegible] خالق [illegible] ایجاد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] المصور [۱۴] [illegible]
[illegible]
الغفار [۱۵] [illegible]
[illegible] القهار [۱۶] [illegible]
[illegible] الوهاب [۱۷] [illegible]
[illegible] الرزاق [۱۸] [illegible]
[illegible] الفتاح [۱۹] [illegible]
[illegible]

باشد یعنی ظاهر و باطن از فیض یعنی حاکم گردان چنانچه بعضی آثار ظاهر و نیست از فیض یعنی بهر نیست دادن و بعضی [illegible] است

از فیض یعنی گشادن و [illegible] [۲۰] العلیم یعنی دانا بجمیع اشیاست و صفت حقیقیه است [۲۱] القابض [۲۲] الباسط

یعنی قابض نگاه دارنده و تغییر کننده رزق عباد است و معنی باسط وسیع رزق عباد است تغییر و توسیع

وفق حکمت [illegible] و صفت فعلیه اند و الجواز آنکه مستقل باشند بجز این دو اسم مستحسن آنست که با هم ذکر

کنند و افراد [illegible] از دیگری [illegible] و افراد ایهام اختصاص [illegible] حکمت [illegible] است [illegible] با هم

دلالت بر حکمت و قدرت شامله است [۲۳] الخافض [۲۴] الرافع خافض یعنی پست کننده [illegible] اشقیا و شان

رافع یعنی بلند گرداننده درجات مومنین [illegible] بسیار [illegible] پست کننده جباران و متکبران است و

رافع بلند گرداننده مرتبه مستضعفان است و گفته اند که خافض [illegible] رافع [illegible] از حضیض [illegible]

و رافع [illegible] منازل رفیعه است و [illegible] از صفات فعلیه اند [۲۵] المعز [۲۶] المذل معز یعنی معطی عزت و قدرت

و ملکیت آنکه خواهد و مذل نزع کننده عزت و قدرت و ملکیت از آنکه خواهد و از صفات فعلیه اند

[۲۷] السمیع [۲۸] البصیر سمیع [illegible] تمام [illegible] مدرک کل مسموعات [illegible] و بصیر آنکه [illegible]

مدرک کل مبصرات [illegible] دو صفت [illegible] چنانچه در [illegible] صفات [illegible] [۲۹] الحکم

حکم کننده [illegible] بالحق [illegible] بقضا و قدر [illegible] است [illegible]

[illegible] بر وفق حکمت [illegible] [۳۰] العدل [illegible]

[illegible]

[illegible] صفات فعلیه [illegible]

صفات [illegible] [۳۱] اللطیف یعنی [illegible] منافع و مصالح است بعباد [illegible]

[illegible] اول از لطف یعنی [illegible] [illegible] و گفته اند [illegible]

[illegible]

[illegible] [۳۲] الخبیر [illegible]

[illegible] [۳۳] الحلیم [illegible] انتقام و تعجیل نکننده بعقاب است

[illegible] آنست که [illegible] دلالت [illegible] ممکنات [illegible] و اطلاق ممکنات

[illegible] شرع [illegible] ممکنات [illegible]

[illegible] باستحاله انخراق [illegible] بعدم انخراق [illegible]

[illegible] انخراق [illegible] امتحانات [illegible] امتحان [illegible]

[illegible] اجسام [illegible] باستحاله انعدام ممکنات [illegible]

[illegible] ثواب و عقاب [illegible] شرع [illegible]

[illegible]

[illegible] **فصل چهارم** در بیان ثبوت امور [illegible]

[illegible] صحف اعمال و میزان و صراط و حساب [illegible]

[illegible] میزان و [illegible] کتب و حساب [illegible] الموازین

القسط لیوم القیمة [illegible]

[illegible] یوم القیمة [illegible]

[illegible] حساب [illegible] الله سریع الحساب [illegible]

[illegible] تصدیق [illegible]

[illegible] احوال [illegible]

[illegible] عذاب [illegible]

[illegible] عذاب [illegible]

[illegible] عذاب [illegible]

احوال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

صادق اخبار نموده تصدیق بآن لازم است تصدیق بصدق مخبر باشد **فصل پنجم** در بیان وجود جنت و نار و آنکه [illegible]

خلاف است اکثر معتزله را مذهب آن است که جنت و نار الیوم موجود نیستند و بعد از این موجود خواهند شد و جمعی که

ایشان در وجود حشر [illegible] اول آنکه وجود جنت و نار قبل از یوم جزا عبث است و عبث بر حکیم روا نیست دوم

آنکه چون حشر [illegible] کل شیء هالک الا وجهه وجود جنت و نار باقی باشند [illegible]

که الیوم موجود نباشند و در یوم جزا موجود شوند و جواب وجه اول آنست که تواند بود که فایده در آن

اطلاع بعد از موت سرور اهل جنت [illegible] و اغتمام اهل نار [illegible]

دائمی فایده خلق جنت و نار قبل از یوم جزا [illegible] از عدم علم [illegible] عدم فایده لازم [illegible]

و جواب از آنست که معنی هلاک [illegible] تواند بود که [illegible]

نظیر عموم [illegible] تخصیص [illegible] جنت و نار [illegible]

[illegible] جنت و نار [illegible] آنست که [illegible]

[illegible] معتقد [illegible] جنت و نار [illegible]

[illegible] و قصه آدم [illegible] دلالت [illegible] بر وجود جنت دارد و روایات دال بر وجود جنت و

نار بسیار است [illegible] اخبار [illegible] تصدیق [illegible] وجود جنت و نار [illegible]

[illegible] رساله [illegible]

[illegible] از تالیف و تبییض این رساله فراغ اتفاق افتاد [illegible] و الصلوة [illegible]

تمت کتابته [illegible] ذی الحجه سنه [illegible]

[illegible] و له بعد الالف **[illegible]**

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله [illegible] ظلمات الشبهات [illegible] و الاوهام [illegible]

[illegible] سید الانام [illegible] الکرام صلوات الله علیه و علیهم [illegible]

[illegible] محمد باقر [illegible]

صلوات الله علیهم [illegible] عبادات [illegible]

[illegible] الحال [illegible] از سایر اوقات احوال [illegible] و اختلال [illegible]

[illegible] بسبب کثرت [illegible] و شیطان [illegible] و نسیان [illegible] نماز [illegible]

[illegible] احوال [illegible] بسبب [illegible] نماز [illegible]

[illegible] علما رضوان الله علیهم [illegible] نماز [illegible]

[illegible] نماز [illegible]

[illegible] احکام [illegible]

[illegible] اجابت [illegible]

[illegible] نسیان [illegible]

[illegible] **اما بعد** [illegible]

در بیان [illegible] رساله [illegible] الله تعالی [illegible]

[illegible] نماز [illegible]

حقیقة نماز [illegible] نقصان [illegible] نماز [illegible]

[illegible] نماز [illegible] حقیقة نماز [illegible]

[illegible] نماز واجب [illegible]

[illegible] علم [illegible]

[illegible] اختلال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

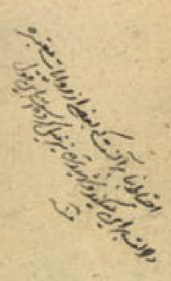
[illegible]

[illegible]

بوده و موافق مشهور میان علما بوده است غالبا متعرض احتیاطها نشده ام و در جائی که تمام متعرض احتیاط
اقوال مشهوره بعد اشاره بنظر خود با احتیاط اداده ام که هر کس که از این رساله انتفاع یابد شعور او بوده که
بعنوان احتیاط امتثال کرده است در نیت آنکه باید که متعرض وجوب یا ندب نشود و بقصد قربت اکتفا
نماید و در جائی که اقوی و اظهر گفته ام یا اظهار اتفاق و اجماع کرده ام مقصود وجوب یا حرمت است

فصل اول در بیان نجاستی است که از روی علم واقع شود بدانکه علما نقل اجماع کرده اند بر آنکه هر که عمدا
یا از روی جهالت نماز را ترک کند خواه عالم بوده باشد و خواه جاهل بوده باشد و خواه ناسی باشد و خواه ترک نماز او باطل
در وقت اعاده و در خارج وقت قضا میباید کرد اما در بعضی از خصوصیات خلاف کرده اند چنانچه
بعضی از فقها مثل علما آمده اند که تفتیش در وقت لازم است بر او است چنانچه نجاستی که در نماز حرام است
و مبطل نمیدانند و همچنین بعنوان اجماع کرده اند بر اینکه هرگاه مبطل نماز نجاستی که از روی جهل مسئله واقع
شود نیز نماز باطل میشود و مکرر میکنند خواندن و آمدن خواندن قرائت نماز و قصر را الکلام کردن که اینجا
که از روی یاد داری آن نماز باطل میشود اجماعا و در این مسئله نیز در جزو موضع خلاف کرده اند چنانچه
بعضی گفته اند که اگر کسی جاهل باشد بوجوب پوشیدن جزوی از نماز که پشت پا را بپوشاند و بر ساق نمود
باشد و در جاهل جزو نماز را گفته نماز او صحیح است و در نزد فقیر اصل حق آنست که بایست سنت و همچنین گفته اند
که اگر کسی ساتر ده شسته شده باشد و بخاطر او نرسیده که جزو را بپوشید است بجهت آنکه نماز او باطل
نمیشود و مشهور وجوب اعاده است و از کلام شیخ علی رحمه الله در بعضی از کتب او ظاهر میشود که اگر کسی
دور از بلاد اسلام و قریب با اسلام بوده و نشنیده باشد که نماز را شرایطی تمام است نماز او باطل نمیشود
و اقوی و احوط اعاده است و اگر کسی نداند که طهارت یا نجاست که در آن نماز کرده است با آبی که بآن وضو
و غسل ساخته است یا خاکی که بآن تیمم کرده است غصبی بوده است و آخر معلوم شود نماز او صحیح است و در بعضی
مسائل خلاف بنظر رسیده است و اگر نداند که کسی ذبح کرده یا خصبی بوده یا بخصوص اختلاف است بعضی گفته اند که مطلقا
اعاده میکنند و بعضی گفته اند که در وقت اعاده میکنند نه در خارج وقت و بعضی گفته اند که مطلقا اعاده
نمیکنند و این قول اقوی است و اگر نجاست بدن یا جامه با موضع سجود معلوم بود و جاهل بوده که با آن جواز نماز نیست

[illegible]



بشود نماز صحیح است و بعضی گفته اند که در وقت اعاده میکند و کسی که نجاست را فراموش کرده باشد
مشهور آنست که در وقت اعاده میکند و در خارج وقت اعاده نمیکند و بعضی گفته اند که مطلقا اعاده
میکند و بعضی گفته اند که در هیچیک اعاده واجب نیست و چون در روایات اشکال است اگر جاهل در نسیان اعاده
مطلقا خصوصا در خارج وقت محمول بر استحباب باشد و احوط آنست که اعاده کند مطلقا و همچنین اگر
کسی گمان نجاست کند و تفحص نکند و آخر معلوم شود که نجس است یا شستنی جامه را ببیند که در او
آخر معلوم شود که ازاله نجاست نشده بجهت احتیاط آنست که نماز را اعاده کند و اگر تفحص کرده باشد
و آخر معلوم شود که نجس است نماز کرده است و بعد از آن معلوم شود که آن پوست میته بوده است نماز او صحیح است و اگر پوست
را از دست مسلمان گرفته باشد یا در بلاد اسلام از مجهول گرفته باشد و اگر از دست کافر گرفته باشد یا در بلاد
کفر از دست مجهول گرفته باشد نماز باطل است و مشهور میان علما آنست که اگر در بلاد اسلام از مجهول
بر داشته باشد نیز همین حکم دارد و احوط عمل باین قول است و چون از احادیث خلاف آن ظاهر میشود
ظاهرا مراد از بلاد مسلمان بلادی است که غالب یا اکثر اهل آن مسلمان باشند نه بلادی که حکم مسلمانان
در آن جاری باشد و چون اکثر اهل آن کافر باشند مانند اکثر بلاد هندوستان چنانچه اکثر اصحاب تصریح
کرده اند و احوط آنست که نماز نکنند در پوست و جامه که نداند که از جنس است که نماز در آن میتوان کرد
اگر کرده باشد نماز را اعاده کند خصوصا در صورتی که شک داشته باشد چنانچه جمعی از علما گفته اند که
اظهر آنست که با علم یا ظن نداشته باشد که از جنسی است که در آن نماز نمیتوان کرد نماز او صحیح باشد و اگر
در روز افتد در جامه نماز کند و در آن نماز نمیتوان کرد علما را نماز او صحیح باشد و همچنین اگر از روی جهل
شده در آن نماز کرده باشد نماز او صحیح است اظهر آنست که هر گاه از روی شک در طهارت از روی سهو
نماز کرده است نماز او صحیح است و اگر طهارت را فراموش کرده باشد یا وضو یا غسل نماز کرده باشد نماز را در وقت
و خارج وقت اعاده و قضا میکند اتفاقا و در بارۀ کسی که از روی جهل مسئله یا فراموشی بغیر قبله نماز
کرده باشد خلاف است و احوط اعاده است خصوصا در وقت و وجوب اعاده در وقت خالی از قوت نیست و
در سایر ابواب نیز اگر اخلال نماید احوط آنست که در وقت اعاده کند و خصوصا وجوب اعاده اقوی است

و آنکه چیزی که موضع علما بخصوص منصوص نشده اند یا آنکه باعتبار جهل یا فراموشی در اثنای نماز عورت کشف شود [illegible]
و نماز گذارد این چنین گفته است که در وقت اعاده میکنند و در خارج وقت اعاده نمیکنند و شیخ [illegible] گفته است
اگر در تمام نماز عورت مکشوف بوده باشد نماز را اعاده میکنند و اگر در بعضی از نماز باز بوده باشد در کار نیست
اعاده و اشهر و اقوی آنست که مطلقا در کار نیست چنانچه حدیث صحیح بران دلالت میکند [illegible]
و دیگر مناسب این رساله نیست **فصل دوم** در احکام سهو است بدان وفقک الله تعالی که اگر کسی نیت
نماز را فراموش کند یا تکبیر احرام [illegible] در اصل [illegible] که نماز میکند و از برای خدا میکند
[illegible] بلفظ نگفته باشد یا الفاظ را در دل نگذرانیده باشد [illegible] زیرا که نیت بودن
همان [illegible] و اگر قیام در حال نیت را فراموش کرده باشد [illegible] از علما گفته اند که نماز
باطل است [illegible] و لیکن احوط اعاده است و همچنین [illegible]
در حالت تکبیر احرام را فراموش کند مشهور میان علما آنست که نماز باطل است و احوط [illegible]
و اگر تکبیر احرام را فراموش کند نماز باطل است هر وقت که بخاطرش آید [illegible] نماز را از سر گیرد
و همچنین اگر [illegible] تکبیر احرام [illegible] نماز باطل است موافق مشهور و احوط آنست که [illegible]
بعمل آورد و نماز را از سر گیرد و اگر کسی رکوع را فراموش کند تا پیشانی را بموضع سجود نگذاشته است [illegible]
و [illegible] موافق مشهور [illegible] رکوع [illegible] و اگر پیشانی را گذاشته است [illegible]
بر آن نتوان کرد نماز باطل میشود و از سر میگیرد و بعضی گفته اند که اگر در دو رکعت آخر باشد [illegible]
[illegible] دو سجده را احتساب نمیکنند و نماز را اتمام میکنند و بعضی
مطلقا [illegible] خواه در رکعت اول و خواه در رکعت آخر و خواه در نماز صبح و شام و خواه
در چهار رکعتی و اگر کسی [illegible] نماز را اعاده کند [illegible] احوط باشد و قول مشهور اقوی است و اگر
کسی هر دو سجده را فراموش کرده باشد [illegible] بعد از آنکه [illegible] رکوع [illegible] نماز او باطل است موافق مشهور
و اقوی و اگر [illegible] از رکوع بخاطرش آید [illegible] سجده ها را بجا آورد و نماز را اتمام میکند و بعد از نماز احتیاطا
دو سجده سهو میکند [illegible] در این صورت [illegible] بطلان نماز [illegible] اعاده [illegible] و اگر

نماز باطل است

کسی سهواً [illegible] رکعت [illegible] رکوع بجا آورد نماز او باطل است [illegible] در این صورت شک کنند در رکوع
[illegible] بعد از رکوع [illegible] نماز [illegible] پیش از رکوع [illegible]
در این صورت [illegible] و اقوی آنست که نماز باطل است و بعضی گفته اند که اگر از رکوع [illegible] سجده
[illegible] نماز صحیح است [illegible] نماز را اتمام کنند و باز اعاده کنند احوط است و اگر کسی سهواً [illegible]
چهار [illegible] بجا آورد نماز باطل میشود [illegible] نماز [illegible]
و اگر کسی [illegible] فراموش [illegible] رکوع [illegible] سجده [illegible] نماز [illegible]
از [illegible] فراموش [illegible] پیشانی [illegible] سر [illegible] سجده [illegible]
[illegible] نماز [illegible] در این صورت [illegible] بطلان نماز
[illegible] و اگر [illegible] و مشهور آنست که [illegible] و نماز صحیح است [illegible]
کنند نماز را [illegible] اعاده [illegible] در این صورت احوط است و اگر کسی یک رکعت [illegible] زیاده کند سهواً نماز
باطل است موافق اشهر و اقوی و بعضی از علما گفته اند که اگر بقدر تشهد در نماز چهار رکعتی بعد از رکعت چهارم
نشسته است نماز صحیح است و بعضی در غیر چهار رکعتی [illegible] گفته اند و احوط اعاده است مطلقا خواه
بعد از سجده ها رکعت پنجم بخاطرش آید و خواه میان سجده و خواه میان رکوع و سجده و اگر [illegible]
[illegible] رکوع بخاطرش آید [illegible] و تشهد [illegible] سلام [illegible] و احتیاطا دو سجده
سهو میکند و نماز صحیح است و اگر کسی یک رکعت یا زیاده از نماز را فراموش کرده باشد [illegible]
و بعد از تشهد [illegible] بخاطرش آید [illegible] نماز را اتمام میکند و صحیح است [illegible]
[illegible] احتیاطا سجده سهو میکند و اگر بعد از سلام بخاطرش آید [illegible] یک رکعت یا زیاده از نماز کم کرده است
[illegible] نماز [illegible] بعمل [illegible] آخر نماز را اتمام میکند و احتیاطا دو سجده سهو میکند
سلام [illegible] و اگر [illegible] خوانده باشد [illegible] دو سجده سهو احتیاطا میکند و نماز [illegible] صحیح است
خواه نماز دو رکعتی باشد و خواه سه رکعتی و خواه چهار رکعتی و اگر وقتی بخاطرش آید که [illegible]
باشد [illegible] نماز را باطل [illegible]

اولی و تشهد بعمل آوردن بنا بر قول اول پس خلافست میان علما و اظهر و اقوی آنست که نمازش صحیح است و آنچه
ترک کرده است بجا آورد و اگر کم کرده باشد حرفی یا زیاده یا یک حرف از تمام الفاتحه احتیاط آنست که
اعاده کند و بعضی گفته اند که نمازش باطل است و بعضی گفته اند که در غیر چهار رکعتی باطل است و در چهار رکعتی صحیح
و احوط اعاده است خصوصا در غیر چهار رکعتی اگرچه اظهر آنست که در کل صحیحست و اگر وقتی بخاطرش آید که کاری
کرده باشد که کردن آن باعث بطلان صلوة میشود عمدا و سهوا مانند حدث یا فعل کثیر یا پشت بقبله کردن
بنا بر مشهور پس اظهر و اقوی آنست که نماز باطل میشود و از ابن بابویه علیه الرحمه نقل کرده اند که گفته است
که در این صورت نیز نماز را تمام میکند و صحیح است و احتیاط آنست که ... و اعاده کند نماز را و احوط با ...
... سلام را فراموش کند و بعد از فراغ ... نماز ... بخاطرش آورد نمازش صحیح است و اگر بعد از ...
... و بعضی گفته اند ... آنست که نمازش باطل است و اظهر آنست که باطل
نمیشود و احوط عمل بمشهور است و اگر شک ... بعد از ... از سجده ... از ... در ...
... احوط ... بطلان صلوة است و بعضی گفته اند که نماز باطل نمیشود و ... سهو را بجا آورد
... و احتیاط آنست که ... کند و اعاده نیز بکند و اگر در اثنای
نماز پیش از تمام کردن ... رکعت آخر ... یا ... آنست که نماز ...
... تمام کند و اعاده کند و احوط است و اگر کسی ... در سجده در نماز ...
... یک سجده ... رکعت ... که نمازش باطل باشد ... دو رکعت بوده است که نمازش
صحیح باشد و اظهر آنست که نمازش باطل است و احوط آنست که دو سجده را با چهار سجود بجا آورد و نماز را
اعاده نیز بکند و اگر فعلی که ... از افعال نماز ... باشد پس بر سه قسم است نزد فقها اول آنست که نماز را
تمام میکند و احتیاج بتدارک ندارد دوم آنست که تدارک دارد اما بسجده سهو احتیاج نیست سیم آنست که هم
تدارک دارد و هم سجده سهو اما قسم اول پس مثل آنکه قرائت را یا حمد تنها را یا سوره تنها را یا بلند خواندن ...
خواندن قرائت ... فراموش کند نمازش صحیح است و تدارکی ... لازم نیست و اگر قرائت ...
رکعت اولی را فراموش کرده باشد در رکعت آخر ... نیست ... خواندن بنا بر اظهر و اقوی و ...

باشد صحیح است پس تدارک ... از رکوع یا در ... کردن ... فراموش کند و بعد از سر برداشتن از رکوع
بخاطرش آید یا سر برداشتن از رکوع را فراموش کند یا قرار ... بعد از سر برداشتن را و بعد از ...
سجده بخاطرش آید که ذکر سجود اول یا قرار ... در ذکر یا بعضی اعضای غیر پیشانی را بر زمین گذاشتن
فراموش کند و بعد از سر برداشتن بخاطرش آید یا نشستن بعد از سر برداشتن از سجده اول را یا ذکر آنرا
فراموش کند تا بسجود دوم رود یا ذکر سجود دوم را یا قرار ... آنرا یا سجود کردن بر ... غیر پیشانی
را فراموش کند و بعد از ... برداشتن از سجود ... یاد آید ... نمازش صحیح است و اگر ... احتیاط دو سجده
سهو ... از ... بجا آورد و اما قسم دوم پس مثل آنکه قرائت را یا خصوص حمد یا سوره را یا بعض از آن
سوره را ... فراموش کند و پیش از رکوع بخاطرش آید بر میگردد و آنچه ترک کرده است
بجا آورد و ... شروع ... کرده باشد ... شروع در ... رکوع کرده باشد ...
رکوع ... یا آهسته خواندن ... آهسته خواندن ... حمل خلاف است ... پیش از رکوع
تدارک ... و اظهر آنست که تدارک ... و نمازش صحیح است و اگر ذکر رکوع را فراموش کند و پیش از ...
از ... رکوع ... بخاطرش آید یا سر ... از رکوع یا ذکر ... فراموش کند ... از
بجا آورد ... آورد ... فراموش کردن ... و انوقت ... کند و
سجده ... و اگر ذکر سجود اول را یا سجود ... غیر پیشانی ... در ... سجود ... فراموش
کند و پیش از سر برداشتن از سجود ... آورد و تدارک ... و ... نشستن بعد از سجود اول را
یا ذکر ... نشستن را فراموش کند و پیش از آنکه بسجده دوم ... بخاطرش آید تدارک میکند و ...
اگر ذکر در سجود دوم یا ... آنرا ... از اعضای سجود غیر پیشانی را بر زمین ... فراموش کند و
پیش از سر برداشتن بخاطرش آید آنچه فراموش کرده است بعمل آورد و اگر سجده یا تشهد را فراموش
کند و پیش از رکوع بخاطرش آید بر میگردد و آن سجده یا تشهد را بجا آورد و بر میخیزد و قرائت را از
سر میگیرد ... کرده باشد نمازش صحیح است و اگر بعد از ایستادن بخاطرش آید ... بعد از نماز ...
... دو سجده ... در سجود ... فراموش کرده باشد ... بعد از سر برداشتن از سجده اول نشستن ... و

۲۷

ملاحظه نمود قرار از نقل رالتقصد واجب بعمل آورده باشد و بعد از آن از سجده غافل شده باشد و بعد از التشهاد
بخاطرش آمده باشد چون عود بسجود کند نشستن قرار از نقل رالعمل نیاورد و بسجود میرود و اگر در اصل نشستن
و در شک کردن رالعمل نیاورده است اصل در نشستن و اگر [illegible] بجا میکند و بعد از آن بسجود میرود و اگر نشسته و
در شک کرده است آنرا بقصد واجب بلکه بقصد جلسه استراحت که بعد از سجده دوم نشستن است بقصد [illegible]
علما اختلاف است [illegible] از آنکه لازم نیست و در وجوب [illegible] اگر واقع سازد بقصد احتیاط [illegible] و شاید اگر اعاده
نماز نیز بکند احوط باشد و اگر بعد از [illegible] از رکوع جزم کند که یک سجده از وی فوت شده است و در [illegible]
دیگر شک کند [illegible] سجده که جزم دارد که کرده است بجای آورد و در سجده دیگر شک دارد [illegible]
[illegible] است بنا بر [illegible] و اگر در این صورت نیز نماز را اعاده کند شاید احوط باشد و اما قسم سیم اگر
سجده را با تشهد فراموش کند و بعد از رکوع بخاطرش آورد مشهور میان علما آنست که آن یک سجده یا تشهد را بجا
آورد و بعد از نماز [illegible] دو سجده سهو بکند و ظاهر احادیث آنست که در فراموش کردن سجده [illegible]
سجده فراموش کرده اکتفا کند و دو سجده سهو در کار نیست و در فراموش کردن تشهد دو سجده سهو بکند و جماعت
[illegible] سجده سهو [illegible] کافی نیست و احتیاج بتشهد [illegible] احوط قول مشهور است و بنا بر قول مشهور
سجده و تشهد فراموش شده را پیش از دو سجده سهو بکند و ظاهر آنست که قصد اداء و قضا نکند و بر زبان نیت نکند و
خاطر بکند [illegible] بجای آوردم سجده را [illegible] فراموش کرده ام از جهت آنکه واجب است قربة الی الله
و در تشهد نیز [illegible] قصد [illegible] واجب بکند بهتر است [illegible] و بدانکه این احکام که گذشت احکام غیر سجده
آخر نماز و تشهد آخر است و اما سجده آخر [illegible] اگر هر دو را یا یکی را فراموش کرده باشد و پیش از سلام بخاطرش
آید آنها را بعمل آورد و تشهد را از سر بگیرد و نمازش صحیح است و [illegible] اگر شروع در تشهد کرده باشد
و بر گردد بسجود [illegible] بنا بر [illegible] احوط باشد و اگر بعد از سلام بخاطرش آید اگر دو سجده باشد نمازش
باطل است [illegible] و اگر یک سجده باشد بجا آورد و نمازش صحیح است و اگر تشهد را فراموش کرده باشد و پیش
از سلام بخاطرش آید [illegible] تشهد و سلام را [illegible] فراموش کند بعد از سجده و پیش از آنکه [illegible] بعمل آورد
بخاطرش آید [illegible] بعمل آورد و نمازش صحیح است و اگر بعد از سلام بخاطرش آید تشهد را بجا آورد

و نمازش صحیح است و بعضی در این جا نیز بوجوب سجده سهو قائل شده اند و احوط آنست که [illegible]
اگر در این صورت پیش از [illegible] تشهد فراموش کرده [illegible] و احوط آنست که نمازش صحیح است
و [illegible] تشهد را بجا آورد و اگر در این صورت اعاده نیز بکند [illegible]
از اقوال [illegible] و اگر [illegible] سجده و [illegible] را در تشهد فراموش کرده باشد و بعد از نماز بخاطرش آید احوط
آنست که بجا آورد و [illegible] مشهور میان علما آنست که [illegible] فوت شده [illegible] سجده سهو [illegible]
[illegible] سجده سهو [illegible]
[illegible]
سجده را فراموش کند و بعد از رکوع بخاطرش آید [illegible] نمازش باطل است [illegible] مشهور [illegible]
[illegible] و اگر در این صورت بعد از تمام کردن نماز بجا آوردن سجود [illegible] و سجده
سهو [illegible] نماز نیز بکند احوط است فصل سیم در احکام شک است بدانکه شک یا در عدد رکعتهای نماز است
یا در افعال نماز [illegible] در عدد رکعتها [illegible] نماز [illegible]
در دو رکعت اول نماز [illegible] چهار رکعتی [illegible] آنست که نمازش باطل است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
با تمام [illegible] اول [illegible]
[illegible] سجده دوم [illegible] نمازش [illegible]
[illegible] و سلام [illegible]
[illegible]
[illegible]

بکند یا نه اظهر اول است آنست که بعد از اتمام کند و نماز احتیاط بکند و اعاده نیز بکند **دوم** آنست که شک کند میان سه و
چهار خواه پیش از رکوع باشد خواه بعد از رکوع و پیش از سجده و خواه بعد از سجده بنا بر چهار میگذارد و نماز
را تمام میکند و دو رکعت نماز نشسته میکند یا یک رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته اولی است **سیم** آنست که
شک کند میان دو و چهار و این شک بعد از فارغ شدن از سجده دوم است نماز او صحیح است و اگر بعد از سر برداشتن از رکوع
دوم است اظهر و احوط آنست که نماز او صحیح است بنا بر چهار میگذارد و نماز را تمام میکند و دو رکعت نماز
ایستاده میکند و اگر در حالت چهار تمام شود و اگر پیش از سر برداشتن از سجده دوم شک کند احوط آنست که احتیاط کند
و اعاده نیز بکند **چهارم** آنست که شک کند میان دو و سه و چهار بعد از فارغ شدن از سجده دوم است بنا بر
چهار میگذارد و تشهد میخواند و سلام میگوید و دو رکعت نماز ایستاده میکند و سلام میگوید و دو رکعت نماز
نشسته میکند و اگر بعد از برخواستن به رکعت دیگر این شک را بکند باز بنا بر چهار میگذارد و آن رکعت را
جزو نشمرد و تشهد بخواند و سلام میگوید و باز دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته
میکند و احتیاطاً دو سجده سهو میکند و اگر بعد از فارغ شدن سجده دوم و پیش از سر برداشتن باشد احوط آنست
که چنین کند و سجده سهو و اعاده نیز بکند **پنجم** آنست که شک کند میان چهار و پنج پس این صورت [illegible]
۱ آنکه وقتی که ایستاده است خواه شروع بقرائت کرده باشد و خواه نکرده باشد شک کند که این رکعت
[illegible] را چهارم است یا پنجم پس بنشیند و اگر تشهد نخوانده است بخواند و سلام میگوید و دو
رکعت نماز نشسته میکند و احتیاطاً دو سجده سهو نیز میکند ۲ آنکه بعد از تمام کردن سجده ها شک کند که این
رکعت که تمام کردم چهارم بود یا پنجم نماز او صحیح است و تشهد میخواند و سلام میگوید و دو سجده سهو بجا آورد
وجوباً ۳ آنکه بعد از فارغ شدن از رکوع و پیش از تمام کردن سجده ها شک کند و در این صورت خلاف است و بعضی
قائل شده اند که نماز او باطل است و ظاهر آنست که تمام کند این رکعت را و دو سجده سهو بکند [illegible] و اولی
اعاده نیز بکند احوط است **ششم** آنست که شک کند میان چهار و زیاده از پنج مثل چهار و شش یا چهار و
هفت در این صورت مشهور میان علما آنست که نماز او باطل است و بعضی این را مانند شک میان چهار و پنج میدانند
[illegible] آنها بکند و نماز را اعاده کند احوط است هفتم آنکه شک کند میان چهار و پنج و زیاده

باشد احوط آنست که چنین کند که تمام کند با سجده سهو و اعاده نیز بکند **هفتم** آنست که با شک میان چهار و پنج شک دیگر
داخل شود مثل آنکه شک کند میان سه و چهار و پنج پس اگر پیش از رکوع است بر میگردد و شک میان دو و سه و چهار
نماز احتیاط نشسته و دو سجده سهو میکند ظاهراً مجزی باشد و اگر اعاده نیز بکند احوط است و همچنین اگر شک کند میان
دو و سه و چهار و پنج اگر پیش از تمام کردن سجده هاست نماز او باطل است و اگر بعد از تمام کردن سجده ها باشد دو
رکعت نماز ایستاده و دو رکعت نماز نشسته میکند و دو سجده سهو میکند و احتیاطاً اعاده نیز میکند و اگر شک میان دو و
چهار و پنج [illegible] پیش از تمام کردن سجده هاست نماز او باطل است و اگر بعد از تمام کردن سجده ها باشد بنا بر چهار
گذارد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده میکند و دو سجده سهو میکند و احتیاطاً اعاده نیز میکند **هشتم** آنست که احتمال
چهار در شک او داخل نباشد مثل آنکه شک کند میان سه و پنج یا دو و سه و پنج یا سه و شش یا دو و شش و همچنین
احتمالات دیگر میان زیاده و کم باشد و احتمال چهار در آنها داخل نباشد پس مشهور میان علما آنست که نماز او
باطل است و بعید نیست که احتمال زیاده [illegible] بنا بر کمتر گذارد و نماز را تمام کند و احتیاط کند و دو سجده سهو
و نماز را نیز اعاده کند شاید احوط باشد **نهم** آنست که شک میان احتمالات زیاده باشد و احتمال [illegible] داخل
نباشد مثل آنکه شک کند میان پنج و شش پس اگر پیش از رکوع باشد بر میگردد و شک میان چهار و پنج میشود
تشهد میخواند و سلام میگوید و دو سجده سهو میکند و اگر بعد از رکوع باشد اگر در رکعت چهارم مشهور آنست که
نماز او باطل است و اگر نشسته [illegible] احوط آنست که بنشیند و سلام بگوید و اعاده نیز بکند چنانچه گذشت و اگر
شک میان پنج و هفت [illegible] پیش از رکوع باشد مشهور آنست که باطل است احوط آنست که بنشیند و
تشهد بخواند و سلام بگوید و دو سجده سهو بکند و نماز را نیز اعاده کند و اگر بعد از رکوع باشد اگر بعد از رکعت چهارم
[illegible] نشسته است احوط آنست که سلام بگوید و اعاده نماز بکند و اگر نشسته [illegible] نماز او باطل است و احتیاط
[illegible] آنچه گفتیم ظاهر میشود بعد از تأمل [illegible] و آنکه شک در افعال نماز پس اگر وقتی شک کند که از محل فعل
در گذشته [illegible] و داخل فعل دیگر شده باشد آن شک اعتبار ندارد و اگر محل آن فعل باقی
[illegible] آن را بجا آورد و نماز او صحیح است خواه شک در دو رکعت اول باشد و خواه در دو رکعت آخر
و خواه [illegible] باشد و خواه واجب [illegible] بعضی از علما قائل شده اند که هر شکی که در دو رکعت اول واقع شود

نماز تمام باطل نمیشود و احوط در این صورت آنست که عمل کند بمقتضای شک و اعاده نماز نیز بکند خصوصا در صورتی که
متعلق بکل در دو رکعت اول اگر غیر باشد پس اگر کسی شک کند در نیت بعد از آنکه تکبیر احرام گفته باشد اعتبار ندارد
و همچنین اگر شک کند در تکبیر بعد از آنکه شروع بقرائت کرده باشد اعتبار ندارد و اگر شک کند در قرائت
حمد بعد از آنکه شروع بسوره کرده باشد محل خلافست و اظهر آنست که ملتفت نمیشود و احوط آنست که در این صورت
اعاده نماز نیز بکند و اگر شک کند در قرائت بعد از شروع در قنوت محل خلافست و اقوی آنست که ملتفت
نشود و همچنین اگر شک کند در قرائت بعد از آنکه شروع در خم شدن کرده باشد و هنوز بحد رکوع نرسیده باشد
اظهر آنست که اعتبار ندارد و احوط آنست که تمام کند و نماز را اعاده کند و اگر بحد رکوع رسیده باشد البته
ملتفت نمیشود و اگر شک کند که آیا رکوع کرده ام در وقتی که ایستاده است رکوع را بجا آورد و اگر بعد از
رفتن بسجده شک کند ملتفت نمیشود و اگر در وقت فرو رفتن باشد و هنوز بسر سجده نگذاشته باشد شک کند محل خلافست
و احوط آنست که التفات نکرده تمام کند و احتیاطا اعاده نیز بکند و اگر در حال نشستن شک کند که آیا سجده
کرده ام یا نه در اصل [illegible] دو سجده میکند و اگر شک کند که یک سجده کرده ام یا دو سجده یک سجده دیگر میکند
و اگر [illegible] هنوز در رفتن باشد و هنوز بسر سجده نگذاشته شک کند که آیا [illegible]
بعد [illegible] بعد از سر برداشتن [illegible] محل خلافست و اظهر آنست که ملتفت نمیشود و اگر بعد از
سر گذاشتن بسجده شک کند البته اعتبار ندارد و اگر شک کند در سجده بعد از شروع در برخاستن [illegible]
راست نه ایستاده باشد خلافست و اظهر آنست که برگردد و سجده مشکوک فیه را بعمل آورد و اگر بعد از
راست ایستادن شک کند در سجده ملتفت نمیشود و اگر کسی بعد از سر برداشتن از رکوع یا از سجود شک
کند در ذکر یا [illegible] در حقیقت آنها داخل نیست اعتبار ندارد و اگر شک
کند بعد از سر برداشتن از سجود که آیا حقیقت سجود [illegible] در حقیقت
سجود [illegible] حاصل [illegible] بعد از دو سجده [illegible] یا سجده واقع
یک سجده باشد [illegible] آنست که تدارک میکند و اعاده نماز نیز بکند [illegible]
باشد و اگر شک کند در سجود بعد از شروع در خواندن تشهد [illegible] اظهر آنست که اعتبار ندارد و اگر شک کند در [illegible]

بعد از راست ایستادن ملتفت نمیشود و اگر در اثنای برخاستن شک کند محل خلافست و اظهر عدم التفاتست
شاید اعاده احوط باشد و اگر [illegible] اعتبار شک [illegible] بجا آورد بعد از آن [illegible] آخر فصل [illegible]
[illegible] آخر فصل [illegible] تکبیر احرام و رکوع و دو سجده نماز [illegible] اعاده میکند و اگر [illegible]
باشد اعتبار ندارد و اگر بعد از [illegible] شک کند [illegible] آخر فصل [illegible] بجا آورد [illegible]
آنست که نماز [illegible] اعاده [illegible] که بعد از فارغ شدن از نماز [illegible]
رکعات خواه در افعال اعتبار ندارد و اگر شک کند که آیا [illegible] نیت [illegible] کرده ام یا نه [illegible]
[illegible] اعاده میکند و اظهر آنست که [illegible] خواه در اثنای نماز باشد خواه بعد از نماز

فصل چهارم در بیان متفرقات احکام شک و سهو است و در آن چند بحث است **اول** آنکه نماز احتیاط [illegible]
[illegible] بطهارت [illegible] باید که نیت کند [illegible]
آنست که [illegible] نیت [illegible] رکعت [illegible]
[illegible] تکبیر احرام [illegible] سوره [illegible] تسبیح [illegible]
[illegible] قنوت [illegible] بجا آورد و احوط آنست که نماز احتیاط [illegible]
[illegible] نماز [illegible] باطل [illegible] نماز [illegible]
[illegible] بجا آورد و همچنین احوط آنست که [illegible] بجا آورد [illegible]
[illegible] نماز [illegible] بجا آورد و اگر [illegible]
نماز [illegible] نماز احتیاط [illegible] بجا آورد و احتیاطا [illegible]
نیز بکند و همچنین [illegible] باطل [illegible]
است **دوم** [illegible] اعتبار ندارد [illegible] اگر [illegible] غالب [illegible]
خواه در [illegible] رکعات [illegible] خواه در افعال [illegible]
و همچنین [illegible] در دو رکعت اول [illegible] دو رکعت اول [illegible] و اعاده [illegible]
[illegible] دو رکعت [illegible] غالب [illegible]

[illegible] ... بنا بر غالب ... [illegible]

[illegible] ... بعد از سلام ... احتیاط ... [illegible]

[illegible] ... چهار ... غالب ... سلام ... [illegible]

[illegible] ... سلام ... [illegible]

سیم [illegible]

چهارم [illegible]

[illegible]

پنجم [illegible]

[illegible]

ششم [illegible]

[illegible]

باید واگر خیال نماز را تمام کند و اعاده نیز بکند احوط است **هفتم** آنکه اگر [illegible] که سهوا در نماز کرده بود از و
که سهوا رکوعی یا سجده واحده بود بار دیگر [illegible] احوط آنست که هر دو را بجا آورد و دو سجده سهو بکند و اگر نداند که رکوع
یا یک سجده احوط آنست که یک سجده را با سجده سهو بکند و اعاده [نماز] نیز بکند **هشتم** آنکه اگر فعلی از افعال نماز احتیاط
یا سجده های سهو یا فعلی را فراموش کرده را فراموش کند و [illegible] بجا آورد [illegible] فعلی باقی باشد [illegible]
اگر سهوا از [illegible] وقت بجا آوردن آن [illegible] احوط [illegible] در نماز احتیاط آنست که احکام نماز اصل را دارد [illegible]
کند از نماز که [illegible] سجده سهو و در سجده [illegible] اگر سهوا [illegible] بجا آورد [illegible]
واجب [illegible] سجود را [illegible] که در نماز [illegible] اگر در تشهد بجا آورد [illegible] بجا آورد و در [illegible]
آورد و در سجده های سهو اگر [illegible] آید که هر دو سجده را [illegible] بار دیگر بکند و اگر [illegible]
یک سجده را [illegible] از شروع در تشهد بجا آورد [illegible] بجا آورد و اگر سهوا از شروع در
تشهد باشد احوط آنست که آنرا بجا آورد و بار دیگر سجده را اعاده نیز بکند و اگر واجبی از واجبات سجود [illegible]
کرده باشد [illegible] از سر [illegible] بجا آورد و اگر سهوا از سر [illegible] بجا آورد احوط آنست که
سجده [illegible] نیز بکند و سجده سهو در خلاف که در سجده سهو واقع شده لازم نمیشود **نهم** [illegible]
[illegible] اعتبار ندارد [illegible] و عمل [illegible] میکند مثل آنکه امام شک کند میان سه و چهار و ماموم جزم داشته باشد به
[illegible] امام را [illegible] شود [illegible] امام را اطلاع کرد [illegible] سبحان الله [illegible]
امام [illegible] امام واجب است که [illegible] ماموم [illegible]
او امام را ظن حاصل شود و همچنین اگر ماموم شک کند میان یک و دو [illegible] امام یقین داشته باشد [illegible] امام
[illegible] اعتبار نمیکنند و همچنین اگر یکی از ایشان شک [illegible] ظن [illegible] و اقوی آنست که
صاحب شک رجوع بصاحب ظن میکند و اگر یکی از امام و ماموم یقین داشته باشد و دیگری ظن [illegible] آنست که
صاحب ظن رجوع بصاحب یقین میکند و در [illegible] بعضی از [illegible] امام [illegible]
بصاحب ظن [illegible] و صاحب یقین [illegible] میکند و اگر [illegible] یقین داشته باشد [illegible]
میکند مثل آنکه امام یقین دارد که چهار رکعت کرده [illegible] ماموم یقین دارد که سه رکعت [illegible]

[illegible] امام [illegible] و ماموم [illegible] بقصد انفراد میکنند و [illegible] رکعت دیگر را [illegible] و همچنین اگر
[illegible] مظنون [illegible] داشته باشند [illegible] میکنند [illegible] عمل میکنند و اگر هر دو شک کرده باشند
[illegible] که [illegible] موافق است یا مخالف [illegible] و در صورت [illegible] ماموم با امام شریک در
میان [illegible] ایشان [illegible] مختلف [illegible] آنکه [illegible]
اگر [illegible] مثل [illegible] میان [illegible] نماز را [illegible] بجماعت [illegible] مثل [illegible]
[illegible] میکنند مثل آنکه [illegible] میان سه و چهار [illegible] نماز را تمام میکنند و دو رکعت نماز
احتیاط نشسته میکنند و [illegible] احتیاط [illegible] بجماعت نکنند احوط [illegible] آنکه [illegible]
و امر شریک [illegible] آنکه [illegible] نماز را تمام میکنند مثل آنکه امام شک کند میان دو و
[illegible] و ماموم میان سه و چهار [illegible] آنست که [illegible] احتمال [illegible] چهار [illegible]
نماز را تمام میکنند [illegible] نماز احتیاط [illegible] و اگر امام شک کند میان دو و سه [illegible] و ماموم میان دو و چهار
[illegible] میان سه و چهار [illegible] چهار میکنند [illegible] سلام [illegible] رکعت نماز [illegible]
[illegible] احوط باشد **[illegible]** آنکه [illegible] در شک [illegible]
[illegible] آن [illegible] مثل آنکه امام شک کند میان دو و چهار و بعضی از ماموم [illegible] میان دو و
چهار و بعضی میان چهار و پنج [illegible] بنا بر چهار میگذارند [illegible] حکم [illegible]
[illegible] در صورت اعاده نیز بکنند نماز را احوط است و [illegible] این احکام [illegible] میان [illegible]
[illegible] در رکعتهای نماز بوده باشد یا در افعال و میان آنکه شک [illegible] مبطل نماز [illegible] **[illegible]** [illegible]
میان [illegible] آنست که اگر امام کاری [illegible] که سبب سجده سهو باشد [illegible] ماموم [illegible] امام واجب است بر ماموم
واجب نیست و بعضی از علما [illegible] که بر ماموم نیز واجب است [illegible] احوط است [illegible]
و اگر [illegible] ماموم کاری [illegible] که سبب سجده سهو باشد و امام [illegible] که بر امام چیزی واجب
[illegible] آنست که [illegible] عمل [illegible] سجده سهو را [illegible] آورد [illegible] که بر ماموم [illegible]
نیست و امثال [illegible] احوط است [illegible] **[illegible]** [illegible] میکنند

اول [illegible]

حال کسی که شک کند در نماز خواه در رکعات خواه در افعال اگر دیگری که امام و ماموم باشد او را خبر دهد [illegible]
شک او مثل آنکه شک کند میان سه و چهار و دو عادل که نماز نکنند با او بگویند که رکعت سه است [illegible] از گفته او
حاصل شود نماز را تمام میکند و اگرچه فاسق یا طفل باشد و اگر ظن حاصل نشود عمل بحکم شک میکند اگرچه خبر دهنده
عادل باشد علی الاقوی **دوازدهم** اگر در نماز نافله شک کند در عدد رکعات مخیر است میان آنکه بنا بر کمتر گذارد و یا بنا
بر بیشتر و احوط و افضل آنست که بنا بر کمتر گذارد ۲ و اگر در نماز نافله امری واقع شود که اگر در فریضه واقع شود موجب
سجده سهو باشد سجده سهو لازم نمیشود و [illegible] گفته اند که فرق در میان نافله و فریضه نیست در [illegible]
[illegible] از احادیث معتبره [illegible] ۱ اگر زیادتی رکن در نماز نافله [illegible] باطل
نمیشود چنانچه در حدیث صحیح و معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کسی در نماز نافله سهو کند [illegible]
[illegible] بعد از رکوع [illegible] و [illegible]
شروع در نماز [illegible] ۲ اگر از [illegible] که کسی [illegible] در نماز نافله [illegible]
[illegible] و آن [illegible] آورد و [illegible] آورد و آنها [illegible]
[illegible] ۳ [illegible] در نماز نافله [illegible]
[illegible] در حال [illegible] و در راه [illegible] و سواره [illegible]
[illegible] خواندن [illegible] نماز [illegible]
[illegible] در نماز نافله [illegible]
[illegible] و [illegible] آنست که هر آداب فریضه را در نافله رعایت کنند **سیزدهم** [illegible]
[illegible] بعد از آن [illegible] سجده [illegible]
[illegible] خارج وقت [illegible] قضا [illegible]
تمام **فصل پنجم** در بیان احکام سجده سهو [illegible] که آنها واجب میشود [illegible]
فائده اول در بیان موجبات سجده سهو است [illegible] ۱ [illegible]
[illegible] تمام [illegible] موجب سجده سهو است

[illegible] نیست [illegible] ۲ شک میان چهار و پنج است در نماز [illegible]
[illegible] چنانچه گذشت و اگرچه در این [illegible] خلاف [illegible] در [illegible]
[illegible] شک میان چهار و شش [illegible] سجده سهو [illegible] بطلان نماز است چنانچه گذشت ۳
آنست که [illegible] سجده [illegible] چنانچه گذشت [illegible]
[illegible] سجده سهو [illegible] ۴ آنست که یک سجده را فراموش کند و بعد از رکوع [illegible]
چنانچه گذشت ۵ سلام گفتن [illegible] اجماع [illegible] اگرچه خلاف [illegible]
[illegible] ۶ [illegible] در جایی که باید نشست [illegible]
[illegible] ۷ [illegible] در نماز [illegible]
[illegible] واجب [illegible] مستحبات [illegible]
از مستحبات [illegible] سجده سهو است [illegible]
[illegible] سجده سهو [illegible]
[illegible] ۸ شک میان سه و چهار [illegible]
سجده سهو [illegible] دلالت [illegible]
[illegible] ۹ آنست که [illegible] نقصان
[illegible] شک کند که آیا سجده کرده [illegible]
[illegible] روایت [illegible]
[illegible] نقصان [illegible] رکعات [illegible] سجده سهو [illegible]
[illegible] شک کند [illegible] رکوع [illegible] رکوع
[illegible] در صورتی که [illegible] نماز [illegible]
[illegible] نقصان [illegible] از کلام [illegible]
[illegible] سجده سهو [illegible]

سجده نمایند قوت دارد و باید ترک نشود **فایده دوم** اگر کسی چند موجب سجده سهو را داشته باشد و واقع شود در نماز [illegible]

یک کافیست یا بعدد هر یکی جدا سجده باید کرد و اولی آنست که ترتیب آنچه لازم شود بعمل آورد و در نیت [illegible]

سجده سهو میکنم برای فلان سهو که در فلان نماز واقع شده است [illegible] واجب است [illegible]

اولی و در سایر سجودهای احتیاط بقصد قربت اکتفا کنند و **سوم** مشهور میان اصحاب آنست که [illegible] بعد از نماز فوراً بعمل

آورد و بعضی مستحب دانسته اند و این اظهر است [illegible] باید که [illegible] نماز [illegible]

[illegible] واجب دانسته اند و احوط آنست که [illegible] نماز [illegible] بعمل آورد [illegible]

[illegible] واجب است که بعمل آورد [illegible] **بعضی** گفته اند

[illegible] واجب است که در وقت نماز [illegible] سجده سهو را [illegible] و اگر در وقت [illegible] نماز [illegible]

[illegible] قضا [illegible] بنیت ادا و قضا [illegible] بعد از نماز [illegible] بجا آورد [illegible]

[illegible] اگر بنیت ادا [illegible] آنست که بنیت ادا و قضا [illegible]

[illegible] گفته اند که اگر سجده سهو را [illegible] قضا [illegible]

چهارم [illegible] آنست که [illegible] سجده سهو [illegible] بعد از سلام است [illegible]

[illegible] سجده سهو است [illegible] که در سجده سهو واجب است [illegible]

[illegible] و بعضی گفته اند که آنچه در سجده

نماز واجب است [illegible] واجب است [illegible] بعد از سجود [illegible]

[illegible] احوط آنست که [illegible]

[illegible] و بعضی گفته اند [illegible] روایتی [illegible] در باب سجده سهو [illegible] واقع شده است [illegible]

و بعد از [illegible] احوط [illegible] آنست که [illegible]

[illegible] سجده سهو [illegible] واجب [illegible] و بعضی [illegible]

[illegible] در نماز [illegible] و احوط آنست که [illegible]

[illegible] اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعد از آن سلام [illegible] و احوط آنست که [illegible]

بسم الله و بالله السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته و [illegible] بسم الله و بالله و صلی الله علی

محمد و آل محمد [illegible] **خاتمه** در بیان علاج کثرت شک و سهو [illegible]

[illegible] **اول** آنست که تفکر کند در عظمت معبود خود [illegible] عظیم [illegible]

[illegible] و منافع [illegible] آخرت [illegible]

[illegible] و تفکر کند در احتیاج خود [illegible]

[illegible] آخرت [illegible] دنیا [illegible] آخرت [illegible]

[illegible] **دوم**

[illegible] آنکه از شر شیطان [illegible] و استعاذه [illegible]

[illegible] از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible]

نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله [illegible]

[illegible] نماز [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] بسم الله و بالله توکلت علی الله اعوذ بالله

السمیع العلیم من الشیطان الرجیم [illegible] شیطان را از خود دور [illegible] **سوم** آنست که [illegible] نماز خود را

[illegible] در حدیث معتبر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام [illegible]

[illegible] نماز خود [illegible] و در روایت معتبر دیگر منقول است که شخصی

[illegible] نماز خود را [illegible]

[illegible] در حدیث معتبر دیگر [illegible] نماز خود را [illegible]

[illegible] **چهارم** آنست که نماز را [illegible] بجا آورد [illegible]

[illegible] در حدیث صحیح منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام [illegible] نماز [illegible]

[illegible] یا ایها الکافرون [illegible]

[illegible] از آنحضرت علیه السلام منقول است [illegible] نماز را [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible] نماز [illegible]

[illegible] تسبیح [illegible] نجم [illegible] نماز [illegible]

با جماعت [illegible] آورد [illegible]

جماعت [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] نماز جماعت [illegible]

[illegible] فضیلت [illegible]

[illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] السلطان [illegible] الخاقان [illegible]

[illegible]

[illegible] ارکان عبادات [illegible]

فیض [illegible] دوام [illegible] دولت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] عبادات [illegible] تصحیح نیت [illegible] اخلاص [illegible] واجب [illegible]

[illegible] جمال الدین [illegible] رساله [illegible] در باب تحقیق احکام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سلطنت [illegible]

الآثار [illegible] **فصل اول** در [illegible]

[illegible] در اصطلاح اهل شرع [illegible]

[illegible] ترتب ثواب بر عبادات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل دوم در بیان [illegible] قصد قربت [illegible] ترتب ثواب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] آنکه شیخ محقق شیخ زین الدین [illegible] در کتاب شرح لمعه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۳۶

بالاتر چیزی که سبب خشنودی او باشد بجا آورد [illegible] عبادت کامل شده است [illegible] آن افضل مراتب عبادت است

اگر با آن گفته شود [illegible] باخوف از جهنم و خلاصی از آن [illegible] آنکه صحیح است [illegible]

قصد قربت [illegible] بعضی از حضرات [illegible]

[illegible] قصد قربت [illegible] حضرت امیر المؤمنین و یعسوب المتقین صلوات الله علیه

و علی اولاده الطاهرین روایت شده که فرموده ما عبدتک خوفا من نارک و لا طمعا فی جنتک بل وجدتک اهلا للعبادة

فعبدتک یعنی عبادت نکردم ترا از راه خوف از آتش تو و نه از برای طمع در بهشت تو ولیکن یافتم ترا سزاوار

پرستش و اطاعت پس عبادت کردم ترا [illegible] عبادت آنحضرت صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] آتش و طمع در بهشت نبوده [illegible] عبادت [illegible]

ایشان عبادت [illegible] صحیح [illegible] عبادت [illegible] افضل [illegible]

[illegible] آنحضرت صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] در اصول کافی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible] العبادة ثلاثة قوم

عبدوا الله عز و جل خوفا فتلک عبادة العبید و قوم عبدوا الله تبارک و تعالی طلب الثواب فتلک عبادة الاجراء

و قوم عبدوا الله عز و جل حبا فتلک عبادة الاحرار و هی افضل العبادة یعنی عبادت سه قسم است [illegible]

[illegible] عبادت [illegible]

[illegible] عبادت [illegible]

[illegible] عبادت [illegible] افضل عبادات [illegible]

[illegible] حضرت امیر المؤمنین صلوات الله

[illegible] در کتاب تهذیب الاحکام بسند صحیح روایت کرده

دلالت میکند [illegible] عبادات آنحضرت [illegible] در بهشت و خوف از آتش [illegible]

[illegible]

[illegible]

۳۷

[illegible] از آتش [illegible]

[illegible]

[illegible] آنحضرت صلوات الله علیه [illegible] در بهشت و خوف از آتش [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] از آتش [illegible]

[illegible] عبادات [illegible]

[illegible] در اصول کافی از حضرت [illegible] صلوات الله علیه [illegible]

[illegible]

[illegible] ثواب [illegible]

[illegible] عبادت [illegible]

[illegible]

[illegible] عبادت [illegible]

[illegible] بهشت [illegible]

[illegible] قرآن مجید [illegible] عبادت [illegible]

[illegible]

[illegible] عبادت [illegible]

[illegible] عبادت صحیح [illegible]

عبادت [illegible]

[illegible] صلوات الله علیهم [illegible]

[illegible]

بوجوه [illegible] عبادات [illegible]

عبادات ایشان [illegible] اعتقاد [illegible] قصد قربت [illegible]

از [illegible] اطاعت [illegible]

[illegible]

[illegible] صحیح [illegible] کلام [illegible]

عبادت [illegible] قصد [illegible] اعتقاد [illegible]

[illegible] عبادات [illegible] عبادت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] کلام انسان صحیح [illegible]

[illegible] عبادت [illegible]

[illegible]

[illegible]

عبادت [illegible]

[illegible] قصد [illegible]

[illegible] قصد [illegible]

[illegible] عبادت [illegible]

[illegible] قصد [illegible]

[illegible]

[illegible] فصل [illegible] قصد قربت [illegible]

[illegible]

[illegible] اعتقاد [illegible] قصد قربت [illegible]

[illegible] صحیح [illegible] عبادت [illegible]

[illegible]

[illegible] قصد [illegible]

[illegible] اعتقاد [illegible] قصد قربت [illegible]

[illegible] قصد [illegible]

[illegible] قصد قربت [illegible]

[illegible] عبادت [illegible]

[illegible] قصد [illegible] عبادت [illegible]

[illegible] عبادت [illegible]

[illegible] فصل چهارم [illegible] عبادت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] قصد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تفصیل نیت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

والله الموفق للصواب واليه المرجع والمآب

فصل

جواز غسل و وضو پیش از وقت و کیفیت نیت آنها [illegible]

[illegible]

[illegible]

رسالهٔ تجهیز [illegible]

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام على خیر خلقه محمد وآله [illegible] الطاهرین المعصومین وبعد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کتابخانه
مجلس شورای ملی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

[illegible]

[illegible]

[illegible] (Persian shikasta text, approx. 26 lines — right-hand page)

[illegible] (Persian shikasta text, approx. 26 lines — left-hand page)

[illegible]

۵۴

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۵

[illegible]

[illegible]

۲

[illegible]

۳

[illegible]

۴

[illegible]

[illegible]

شرح دعای صباح و مساء [از] صحیفه کامله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱

۲

۳

۴ ۵

۶ ۷

۸ ۹

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... والصلوة على النبي وآله ...

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

[illegible]

[illegible] قاعده اول [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فائده چهارم

[illegible]

[illegible]

فایدهٔ پنجم

[illegible]

فایدهٔ ششم

[illegible]

[illegible]

[illegible] قطع النظر [illegible] در بیان [illegible]
[illegible]
[illegible] اعتبار [illegible] حقیقیه [illegible]
[illegible]
[illegible] ذات [illegible] موجود [illegible]
[illegible]
[illegible] جنس و فصل [illegible]
[illegible] خارج [illegible]
[illegible] حقیقیه [illegible]
[illegible]
[illegible] نوع [illegible] جنس و فصل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] جمیع کلیات [illegible]
[illegible] قطع النظر عن الوجود [illegible]
[illegible]
[illegible] که ذات [illegible] موجود [illegible] حقیقیه [illegible]
[illegible] موجود [illegible]
[illegible] حقیقیه [illegible]
[illegible] حقیقیه [illegible]
[illegible] حقیقیه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] جنس و فصل [illegible]
[illegible] جنس و فصل [illegible]
[illegible]
[illegible] جنس و فصل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] جنس و فصل [illegible]
[illegible]
[illegible] جنس و فصل [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

فائده هشتم شارح مطالع [illegible] شرح مطالع [illegible]

[illegible]

[illegible]

فائده نهم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible — 22 lines of dense shikasta script on the right-hand leaf]

[illegible] وجه سیزدهم [illegible]

[illegible] وجه چهاردهم [illegible]

[illegible] وجه پانزدهم [illegible]

[illegible — remaining lines of the left-hand leaf, with two marginal notes]

[illegible]
[illegible] فائده [illegible] [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فائده [illegible] [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فائده [illegible] [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فائده [illegible] [illegible]
[illegible]

جواب

نقض

۹۸

[illegible]

[illegible]

99

[illegible]

ان در حقیقت تعلق نفس ناطقه به هیکل محسوس [illegible] اشتغال نفس ناطقه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] فایده سی و دوم [illegible]

[illegible] افعال [illegible]

[illegible] افعال [illegible]

[illegible]

افعال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] افعال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] افعال [illegible]

[illegible] فایده سی و سیم [illegible]

[illegible] افعال [illegible]

[illegible] افعال [illegible]

[illegible] افعال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] افعال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فائده بیست و چهارم [illegible]

[illegible]

[illegible]

فائده بیست و پنجم [illegible]

[illegible]

فائده بیست و ششم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دعای کمیل [illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اني اسئلك برحمتك التي وسعت كل شيء وبقوتك التي قهرت بها كل شيء وخضع لها كل شيء وذل لها كل شيء وبجبروتك التي غلبت بها كل شيء وبعزتك التي لا يقوم لها شيء وبعظمتك التي ملأت كل شيء وبسلطانك الذي علا كل شيء وبوجهك الباقي بعد فناء كل شيء وباسمائك التي ملأت اركان كل شيء وبعلمك الذي احاط بكل شيء وبنور وجهك الذي اضاء له كل شيء يا نور يا قدوس يا اول الاولين ويا آخر الآخرين اللهم اغفر لي الذنوب التي تهتك العصم اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل النقم اللهم اغفر لي الذنوب التي تغير النعم اللهم اغفر لي الذنوب التي تحبس الدعاء اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء اللهم اغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء اللهم اغفر لي كل ذنب اذنبته وكل خطيئة اخطأتها اللهم اني اتقرب اليك بذكرك واستشفع بك الى نفسك واسئلك بجودك ان تدنيني من قربك وان توزعني شكرك وان تلهمني ذكرك اللهم اني اسئلك سؤال خاضع متذلل خاشع ان تسامحني وترحمني وتجعلني بقسمك راضيا قانعا وفي جميع الاحوال متواضعا اللهم واسئلك سؤال من اشتدت فاقته وانزل بك عند الشدائد حاجته وعظم فيما عندك رغبته اللهم عظم سلطانك وعلا مكانك وخفي مكرك وظهر امرك وغلب قهرك وجرت قدرتك ولا يمكن الفرار من حكومتك اللهم لا اجد لذنوبي غافرا ولا لقبائحي ساترا ولا لشيء من عملي القبيح بالحسن مبدلا غيرك لا اله الا انت سبحانك وبحمدك ظلمت نفسي وتجرأت بجهلي وسكنت الى قديم ذكرك لي ومنك علي اللهم مولاي كم من قبيح سترته وكم من فادح من البلاء اقلته

وكم من عثار وقيته وكم من مكروه دفعته وكم من ثناء جميل لست اهلا له نشرته اللهم عظم بلائي وافرط بي سوء حالي وقصرت بي اعمالي وقعدت بي اغلالي وحبسني عن نفعي بعد آمالي وخدعتني الدنيا بغرورها ونفسي بجنايتها ومطالي يا سيدي فاسئلك بعزتك ان لا يحجب عنك دعائي سوء عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي ما اطلعت عليه من سري ولا تعاجلني بالعقوبة على ما عملته في خلواتي من سوء فعلي واسائتي ودوام تفريطي وجهالتي وكثرة شهواتي وغفلتي وكن اللهم بعزتك لي في كل الاحوال رؤوفا وعلي في جميع الامور عطوفا الهي وربي من لي غيرك اسئله كشف ضري والنظر في امري الهي ومولاي اجريت علي حكما اتبعت فيه هوى نفسي ولم احترس فيه من تزيين عدوي فغرني بما اهوى واسعده على ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى علي من ذلك بعض حدودك وخالفت بعض اوامرك فلك الحمد علي في جميع ذلك ولا حجة لي فيما جرى علي فيه قضاؤك والزمني حكمك وبلاؤك وقد اتيتك يا الهي بعد تقصيري واسرافي على نفسي معتذرا نادما منكسرا مستقيلا مستغفرا منيبا مقرا مذعنا معترفا لا اجد مفرا مما كان مني ولا مفزعا اتوجه اليه في امري غير قبولك عذري وادخالك اياي في سعة رحمتك اللهم فاقبل عذري وارحم شدة ضري وفكني من شد وثاقي يا رب ارحم ضعف بدني ورقة جلدي ودقة عظمي يا من بدأ خلقي وذكري وتربيتي وبري وتغذيتي هبني لابتداء كرمك وسالف برك بي يا الهي وسيدي وربي اتراك معذبي بنارك بعد توحيدك وبعد ما انطوى عليه قلبي من معرفتك ولهج به لساني من ذكرك واعتقده ضميري من حبك وبعد صدق اعترافي ودعائي خاضعا لربوبيتك هيهات انت اكرم من ان تضيع من ربيته او تبعد من ادنيته او تشرد من آويته او تسلم الى البلاء من كفيته ورحمته وليت شعري يا سيدي والهي ومولاي اتسلط النار على وجوه خرت لعظمتك ساجدة وعلى السن نطقت بتوحيدك صادقة وبشكرك مادحة وعلى قلوب اعترفت بالهيتك محققة وعلى ضمائر حوت من العلم بك حتى صارت خاشعة وعلى جوارح سعت الى اوطان تعبدك طائعة واشارت باستغفارك مذعنة ما هكذا الظن بك ولا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب وانت تعلم ضعفي عن قليل من بلاء الدنيا وعقوباتها وما يجري فيها من المكاره على اهلها على ان ذلك بلاء ومكروه قليل مكثه يسير بقاؤه قصير مدته فكيف احتمالي لبلاء الآخرة وجليل وقوع المكاره فيها وهو بلاء تطول مدته ويدوم مقامه ولا يخفف عن اهله لانه لا يكون الا عن غضبك وانتقامك وسخطك وهذا ما لا تقوم له السماوات والارض يا سيدي فكيف لي وانا عبدك الضعيف الذليل الحقير المسكين المستكين يا الهي وربي وسيدي ومولاي لاي الامور اليك اشكو ولما منها اضج وابكي لاليم العذاب وشدته ام لطول البلاء ومدته فلئن صيرتني للعقوبات مع اعدائك وجمعت بيني وبين اهل بلائك وفرقت بيني وبين احبائك واوليائك

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله الطیبین الطاهرین [illegible]

[illegible]

معلوم آنکه ... [illegible]

شود چه سبب این علم ... [illegible] ... وجود و

جز ... [illegible] ... اعلام ... واجب ... [illegible]

... [illegible] ... حقیقت ... [illegible]

... [illegible] ... در عالم ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... اصل ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... حاجت ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

علم ... | از | صورت ... | ... | حاجت

بود و ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... اصل ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] | بکلام ... | اصل ... وجود

[illegible]

[illegible] فصل دوم [illegible] تقسیم [illegible]

[illegible]

[illegible] اصل [illegible]

[illegible] اصل [illegible]

[illegible] اصل [illegible]

[illegible] شبهه و

جواب [illegible]

[illegible]

الا است فعل [illegible] الآلات [illegible] وجه [illegible] باید خوانده در الفاظ معنا الحقیقت [illegible] این [illegible] موجب

خوانده [illegible] الفعل [illegible] فعل [illegible] و

[illegible] فعل [illegible] است [illegible] **شبهه**

جواب [illegible]

[illegible]

[illegible] علم [illegible] علم [illegible]

[illegible] **هدایه** [illegible]

[illegible] و

[illegible] **اصل** [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **تبصره** [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **تبصره** [illegible]

[illegible] و

[illegible]

[illegible] **اصل**

[illegible]

[illegible] **فصل** [illegible]

[illegible] **اصل** [illegible]

قوله [illegible]

قوله [illegible]

قوله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **اصل** [illegible]

[illegible]

[illegible] **تبصره** [illegible]

[illegible]

[illegible] **اصل** [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

هدایه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **اصل** [illegible]

[illegible] **تبصره** [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **اصل** [illegible]

[illegible]

[illegible] **هدایه** [illegible]

قوله مستقل

قوله [illegible]

قوله [illegible]

قوله انقیاد

قوله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible — marginal note]

رساله جبر و اختيار [illegible] بسم الله الرحمن الرحيم [illegible]

الحمد لله [illegible] مسبب الاسباب و مفتح الابواب [illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل دوم

[illegible]

[illegible]

فصل سوم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل چهارم

[illegible]

فصل پنجم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل ششم

[illegible]

[illegible]

فصل هفتم [illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل هشتم [illegible]

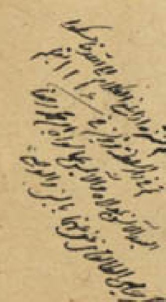
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible] ۱۲۰۸ [illegible] ۱۲۰۸

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

… **فصل دوم** … [illegible]

[illegible]

… **تنبیه** … [illegible]

[illegible]

[illegible] … **تنبیه** … [illegible]

… **فصل سوم** … [illegible]

[illegible]

… **فصل چهارم** … [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل پنجم

[illegible]

فصل ششم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل دوم

[illegible]

[illegible]

باب سوم [illegible]

فصل اول

[illegible]

[illegible]

فصل دوم [illegible]

[illegible]

فصل سوم [illegible]

[illegible]

فصل چهارم [illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل پنجم [illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل ششم [illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل هفتم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مختلف

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل پنجم [illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل ششم [illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible] **فصل دوم** [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
فصل سوم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible] نصب
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
فصل چهارم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت فاطمه علیها السلام [illegible]
[illegible] حضرت فاطمه علیها السلام [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]


کتابخانه مجلس شورای ملی

بسم الله والحمد لله
هذا ما ملکنی ربی …

اخراجات [illegible] خانه که ۳ دانگ آن از حاجی [illegible] [illegible] است
تاریخ ۱۲ شهر رجب سنه ۱۲۵۷ و جمیع را [illegible] [illegible] شده

[illegible]

اخراجات [illegible] [illegible] که [illegible] گذشته
خراب شده از [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]
و [illegible] [illegible] [illegible] و پنجاه [illegible]

[illegible]

اخراجات ۱۲۵۷ [illegible]

[illegible]